

## تبیین جامعه شناختی رابطه ساختار قدرت و سازگاری زناشویی در خانواده‌های شهر جهرم<sup>۱</sup>

رویا پورشاهیان<sup>۲</sup>  
مجید کریمی<sup>۳\*</sup>  
کرامت الله راسخ<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۵

### چکیده

پژوهش حاضر به تبیین جامعه شناختی رابطه ساختار قدرت و سازگاری زناشویی در خانواده‌های شهر جهرم پرداخته است. روش به کار رفته در این پژوهش، پیمایش است. جامعه آماری خانواده‌های (زنان و مردان) ساکن شهر جهرم می‌باشند که ۳۵۱ نفر به‌عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار تحقیق، پرسشنامه است که برای تعیین اعتبار آن از روش اعتبار صوری و برای تعیین پایایی، از شیوه هم‌هنگ درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج توصیفی پژوهش، بیانگر آن است که میانگین نمره سازگاری زناشویی در شهر جهرم کمی بالاتر از حد متوسط است. یافته‌های تحلیلی پژوهش نشان می‌دهد رابطه سازگاری زناشویی (کل) با ساختار قدرت (کل) مثبت و معنادار است. ابعاد ساختار قدرت (ساخت روابط قدرت، شیوه‌های اعمال قدرت و حوزه‌ها و قلمرو قدرت) بر توافق زوجین تأثیر دارند. همچنین ساخت روابط قدرت و شیوه‌های اعمال قدرت بر رضایت زوجین تأثیر دارند اما حوزه‌ها و قلمرو قدرت بر رضایت زوجین تأثیر ندارند. روابط قدرت، حوزه‌ها و قلمرو قدرت و همچنین شیوه‌های اعمال قدرت روابط معناداری با عشق و محبت زوجین دارند. در بین متغیرهای جمعیتی رابطه سن، تحصیلات، شغل مردان، طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان، طبقات مختلف با سازگاری زناشویی معنادار است. تبیین متغیر وابسته بر حسب مجموع متغیرهای مستقل، بیانگر آن است که متغیرهای ساختار قدرت (بعد ابراز عشق و محبت)،

۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان "بررسی تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر سازگاری زوجین در شهر جهرم" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم باشد.

۲ دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران (roya\_p\_1971@yahoo.com)

۳ استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران (نویسنده مسئول) (karimi@jia.ac.ir)

۴ دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران (Krasekh@gmail.com)

تحصیلات مردان، ساختار قدرت (بعد ساخت روابط قدرت)، فاصله سنی، طبقه اجتماعی، شغل زنان، درآمد زنان و مردان به ترتیب قوی ترین پیش بینی کننده سازگاری زناشویی هستند و قادرند ۰/۲۳۰ از تغییرات واریانس سازگاری زناشویی را تبیین کنند.

**واژگان کلیدی:** سازگاری زناشویی، ساختار قدرت، خانواده‌ها، شهر چهارم.

### مقدمه

سازگاری زناشویی بهترین فرصت را برای اتفاق و اتحاد براساس صمیمیت هرچه بیشتر و دوام هرچه فزون‌تر اخلاقی، جسمانی و روانی به وجود می‌آورد. (روزن باوم<sup>۱</sup>، ۱۳۶۷: ۹۵؛ تقوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۴). سازگاری زناشویی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین ثبات و دوام زندگی زناشویی مطرح است. (گال<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). سازگاری بین زن و مرد در خانواده از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد که یکی از این عوامل، ساختار قدرت است. ساختار قدرت از مباحث مهم عصر حاضر جهت گسترش مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان است که تغییرات بسیاری را در ساختار ارزشی، فرهنگی و هنجاری خانواده و جامعه به وجود آورده است. گرایش زن به سوی افزایش قدرت در خانواده بیش از همه بر خانواده اثر می‌نهد و روابط زن و شوهر و فرزندان را دگرگون می‌سازد و این امر همواره مورد توجه صاحب نظرانی بوده است که ساختار قدرت را از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی کرده‌اند. (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۷۰). پیشرفت و تعالی جامعه امری چند وجهی است. توسعه هر کشوری تنها در اقتصاد، علم و فناوری و صنعت خلاصه نمی‌شود، بلکه عامل انسانی نیز از عوامل مهم توسعه است. جوامعی که همسران و خانواده‌های کارآمدی ندارند، یکی از عوامل مهم توسعه را از دست خواهند داد. دلیل این امر که خانواده و زوج مترادف به کار می‌رود، این است که پایه و اساس خانواده همسران هستند و چنانچه زوج‌هایی نتوانند زن و شوهر خوب و مناسبی برای یکدیگر باشند، معمولاً پدر و مادر موفقی نیز برای فرزندان‌شان نخواهند بود (کاوه، ۱۳۸۶: ۸). امروزه سازگاری زناشویی یکی از اصطلاحاتی است که در مطالعات خانواده و زناشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اصطلاح با بسیاری از اصطلاحات دیگر همچون "رضایت زناشویی"، "شاد کامی زناشویی"، "موفقیت زناشویی" و "ثبات زناشویی" مرتبط است. اصطلاحات دیگر، هر یک تنها یک بعد از ازدواج را نشان می‌دهند اما سازگاری زناشویی یک اصطلاح چند بعدی است که سطوح چندگانه ازدواج را روشن می‌کند و فرآیندی است که در طول زندگی زوجین به وجود می‌آید (نچار پوریان و فاتحی زاده، ۱۳۸۶). سازگاری زناشویی از عوامل بسیار مهم در زندگی محسوب می‌شود. وجود آن در خانواده باعث می‌شود زوجین آرامش را در زندگی تجربه کنند و با آرامش و رضایت آنها، فرزندان نیز در خانواده به‌خوبی تربیت شوند و آثار آن در جامعه مشاهده شود. از طرفی عدم سازگاری یا به عبارتی وجود ناسازگاری بین زوجین، نه تنها بر کنشهای روانی - اجتماعی زن و شوهر، بلکه بر رشد و تحول

<sup>۱</sup> Rosen Baum

<sup>۲</sup> Gall

کودکان و نوجوانان خانواده نیز آثار سوئی بر جا می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که آمار نشان می‌دهد حدود ۳۳ درصد نوجوانان بزهکار "کانون اصلاح و تربیت ایران" متعلق به خانواده‌های از هم گسیخته و ناسازگار بوده‌اند (فتوحی بناب، ۱۳۸۶: ۱۲). به اعتقاد جاکبسون و کارمان<sup>۱</sup> (۱۹۹۵؛ به نقل از طاهری راد، ۱۳۸۸)، به نقل از طاهری راد، (۱۳۸۸)، مشکلات و اختلافات مربوط به ارتباط و صمیمیت از یک‌سو و تعادل قدرت و ساختار نقش در رابطه از سوی دیگر، موضوعات اساسی و محورهای اصلی زوجهای آشفته به‌شمار می‌رود.

قدرت متغیر اجتماعی مهمی است که در بررسی هر ساختار اجتماعی، نهاد و حتی روابط بین افراد باید مورد توجه قرار گیرد و خانواده نیز از این امر مستثنی نیست و می‌توان نوع روابط قدرت در آن را مورد بررسی قرار داد. در روابط خانوادگی، قدرت مفهومی است که از راه رفتارهای عینی اعضا قابل مشاهده است (گروسی، ۱۳۸۷). از دیدگاه عملی، سازگاری زناشویی به عنوان توانایی هر زوج یا سامانه خانواده به منظور تغییر ساختار قدرت، نقش‌ها و قواعد و پاسخگویی به موقعیتهای تنش‌زا است (مورارا، ترلیک<sup>۲</sup> ۲۰۱۲)، کارکرد خانواده ابعاد زیادی دارد و نه تنها به پویش‌های درون خانواده مربوط است، بلکه به این نیز ربط دارد که اعضای خانواده به جهان بیرون چگونه واکنش نشان می‌دهند. خانواده در گذر زمان از نظر شکل و ساختار دچار تغییراتی شده‌است؛ با وجود این آنچه درباره خانواده بدون تغییر باقی مانده، این است که خانواده هنوز واحد اساسی جامعه به‌شمار می‌رود و مهم‌تر اینکه مکان رشد فرزندان است (نولر، کارانتزاس<sup>۳</sup> ۲۰۱۲). توافق کلی وجود دارد که قدرت فرایند محوری در تعاملات خانواده است (ویشمن، جاکبسون، ۱۹۹۰).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ساختار قدرت در روابط زناشویی نقش مهمی دارد. در کشور ایران عواملی نظیر: مدت ازدواج، درآمد ماهانه خانوار، فاصله سنی زوجین، رضایت کلی از زندگی زناشویی، تقدیرگرایی، میزان همکاری مرد در خانه، آگاهی زوجین از حقوق یکدیگر، منابع اطلاعاتی زوجین و نحوه تربیت فرزندان، بر نگرش نسبت به همسان همسری اثرگذارند (ایمان، ۱۳۸۰: ۴۶). بنابراین سازگاری زناشویی یک فرایند است که در طول زندگی زوجین به وجود می‌آید، زیرا لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت ویژگی‌های شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مراوده‌ای است. زوجین سازگار زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطح روابطشان راضی‌اند، از نوع و کیفیت گذاران اوقات فراغت رضایت دارند و مسائل مالی خودشان را به خوبی برنامه‌ریزی می‌کنند. میزان شیوع ناسازگاری زناشویی به‌طور گوناگونی گزارش شده‌است. تمامی گزارش‌ها نشان می‌دهند که میزان ناسازگاری رو به افزایش است. در پژوهشی نشان داده شده‌است که نسبت طلاق به ازدواج در ایران از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۷ از شاخص ۷/۴۰ به ۷/۹۸ رسیده است. افزایش شهرنشینی، صنعتی شدن جوامع، اشتغال زنان، بالا رفتن توقعات و انتظارات زوجین و به تبع آن افزایش قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های مسائل روزمره ناسازگاری را در بین زوجین در جامعه ایران و شهر جهرم تشدید کرده است. و ساختار قدرت در خانواده‌های ایران در حال تغییر است.

۱ Jacobson, Karman

۲ Muraru, Turliuc

۳ - Noller, Karantzaz

با این تفصیل، سؤال تحقیق حاضر این است که اولاً میزان سازگاری زناشویی در خانواده‌های شهر جهرم به چه میزان است؟ ثانیاً ساختار قدرت چه رابطه‌ای با سازگاری زناشویی در میان خانواده‌های شهر جهرم دارد؟

### پیشینه تجربی

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ساختار قدرت در روابط زناشویی نقش مهمی دارد. در کشور ایران عواملی نظیر: مدت ازدواج، درآمد ماهانه خانوار، فاصله سنی زوجین، رضایت کلی از زندگی زناشویی، تقدیرگرایی، میزان همکاری مرد در خانه، آگاهی زوجین از حقوق یکدیگر، منابع اطلاعاتی زوجین و نحوه تربیت فرزندان، بر نگرش نسبت به همسان همسری اثرگذارند (ایمان، ۱۳۸۰: ۴۶).

### جدول ۱: خلاصه پیشینه پژوهش

| محققین                  | نام پژوهش  | نوع پژوهش | نتایج   |
|-------------------------|--|-----------|---|
| ژیان و همکاران (۱۳۹۵)   | بررسی رابطه جنسی و سازگاری زناشویی در دبیران متأهل با ازدواج فامیلی و غیر فامیلی | پیمایشی   | نتایج پژوهش حاکی از آن است دبیران با ازدواج فامیلی از دبیران با ازدواج غیر فامیلی رضایت جنسی کمتری دارند. اما میان سازگاری زناشویی دو گروه تفاوت معنادار مشاهده نشد. همچنین زوجین دارای ازدواج‌های غیر فامیلی از ارتباطات رضایت بخش تری نسبت به زوجین دارای فامیلی برخوردارند.  |
| خاکپور و همکاران (۱۳۹۴) | نقش ابعاد ساختار قدرت خانواده در سازگاری زناشویی                                 | پیمایشی   | بین سازگاری زناشویی و ابعاد ساختار قدرت در خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد. هر سه بعد ساختار قدرت می‌توانند سازگاری زناشویی را پیش بینی کنند. الگوی ساختار قدرت در خانواده در سازگاری زناشویی نقش مهمی دارد. ساختار قدرت خانواده ایران در حال تغییر است   |
| تقوی و همکاران (۱۳۹۲)   | مقایسه سازگاری زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل و عوامل مرتبط با آن در شهر مهاباد    | پیمایشی   | نتایج یافته‌های پژوهش حاضر گویای آن است که میزان سازگاری زنان شاغل در مقایسه با زنان غیر شاغل بیشتر است   |
| تقوی و همکاران (۱۳۹۲)   | تعیین عوامل فردی- اجتماعی مرتبط با میزان سازگاری زناشویی در شهر مرند             | پیمایشی   | مهم‌ترین یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین تطابق و همگونی کنش‌ها، برآورده نشدن انتظارات، همسانی عقیدتی، مشورت در تصمیم‌گیری، عشق و علاقه، جامعه‌پذیری و اعتماد با میزان سازگاری زناشویی می‌باشد. نظریات پارسونز، گیدنز، گافمن و کنش متقابل نمادین در این تحقیق مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین تفاوتی در میزان سازگاری زناشویی بر اساس همسانی یا ناهمسانی محل سکونت، سن و تحصیل به چشم نمی‌خورد و رابطه معنی‌داری نیز میان عدم دخالت دیگران با سازگاری زناشویی وجود ندارد |

|   |         |   |                                      |
|---|---------|---|--------------------------------------|
| <p>ارتباط بین دو متغیر مستقل سن زن، زمان ازدواج و محل اقامت آنان بر ساختار قدرت و ابعاد آن معنادار نیست. همچنین مدت ازدواج زنان بر حوزه‌های تصمیم‌گیری و شیوه اعمال قدرت تأثیر گذار است. بین دو متغیر مستقل فاصله سنی و تحصیلات دانشگاهی و بعد میزان مشارکت در حوزه‌های تصمیم‌گیری ارتباط معنی‌داری وجود دارد و همچنین بین شیوه اعمال قدرت در خانواده و وضعیت اشتغال زن ارتباطی معنادار وجود دارد</p>   | پیمایشی | <p>مطالعه عوامل زمینه‌ای مرتبط با ساختار توزیع قدرت در خانواده در شهر شیراز</p>   | موحد و همکاران (۱۳۹۱)                |
| <p>هدف، شناخت رابطه عوامل اجتماعی با میزان سازگاری زناشویی است. در بعد نظری از نظریه‌های نیازهای مازلو، همسان همسری برگس و طول مدت ازدواج میشل آندره برای تبیین روابط متغیرهای پژوهش بهره‌جسته است. روش تحقیق، پیمایش از نوع همبستگی بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی در بین افراد مورد مطالعه <math>۸۰/۴۱ \rightarrow +۱۵/۵۱</math> بود. اختلاف معنی‌داری بین عواملی چون نسبت خویشاوندی، گذران اوقات مشترک، پایگاه اجتماعی و پای بندی به اعتقادات دینی با سازگاری زناشویی وجود دارد.</p> | پیمایشی | <p>بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با سازگاری زناشویی در بین معلمان متأهل مدارس راهنمایی شهر مرند</p>   | علمی و همکاران (۱۳۸۹)                |
| <p>پژوهش با استفاده از پرسشنامه بر روی نمونه‌ی ۶۲۸ نفری از زنان همسر دار شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن انجام شده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که ساختار قدرت خانوادگی، به نفع شوهر است و میان ساختار قدرت در خانواده و میزان دسترسی زنان به منابع، نوع باورها، شناخت آنها از توانایی‌های زنان و مردان، و برخی عوامل زمینه‌ای دیگر، رابطه‌ای معنادار وجود دارد.</p>  | پیمایشی | <p>بررسی ساختار قدرت در خانواده‌های شهرستان کرمان (رابطه‌ی میان ساختار قدرت در خانواده‌های کرمان و منابع در دسترس و باورهای جنسیتی)</p> | گروسی (۱۳۸۷)                         |
| <p>بین سازگاری زناشویی با سطح بالای کیفیت زندگی ارتباط زیاد و سازگاری زناشویی با مشکلات رفتاری رابطه کم دارد. از طرفی حمایت زوجی با سطح بالای کیفیت زندگی نیز ارتباط داشت.</p>  | پیمایشی | <p>رابطه سازگاری زناشویی با سطح بالای کیفیت زندگی</p>   | پری یرا، دایس، ماچادو و پومپی (۲۰۱۱) |
| <p>قدرت تقسیم شده بین زن و شوهر، بالاترین سطح رضایت را نشان می‌دهد و تسلط زن در رابطه زوجی نسبت به رابطه مشارکتی و تسلط مرد رضایت کمتری را به همراه دارد.</p>   | پیمایشی | <p>قدرت زن و شوهر</p>   | لیتل و همکاران (۱۹۹۶)                |
| <p>به طور کلی مردان قدرت بیشتری در تصمیم‌گیری‌ها دارند و تنها زمانی که زنان شاغل هستند، تمایل ابراز قدرت در آنها پدید می‌آید و در مورد زنان تمام وقت شاغل، این قدرت بیشتر از زنان نیمه وقت شاغل است</p>   | کیفی    | <p>تصمیم‌گیری در خانواده</p>  | پایل (۱۹۹۴)                          |

## جمع‌بندی پیشینه پژوهش

در بررسی‌هایی که در رابطه با موضوع پژوهش حاضر چه در داخل و چه در خارج انجام شده‌است صرفاً بر متغیر ساختار قدرت (قدرت کل) توجهی خاص مبذول گردیده و سایر ابعاد (میزان مشارکت در حوزه‌های تصمیم‌گیری، ساخت روابط قدرت و شیوه‌ی اعمال قدرت) مورد مذاقه واقع نشده‌است، به‌علاوه حجم کم تعداد نمونه در پژوهش‌های انجام گردیده موجب می‌گردد تعمیم‌دهی نتایج به‌کل جامعه آماری با احتیاط فراوان صورت گیرد. لذا این نوشتار در جهت پر کردن خلاءهای موجود انجام خواهد گرفت. علی‌ایحال تحقیقات صورت گرفته را می‌توان با استفاده از چند ویژگی مورد بررسی قرار داد، و ذیل این ویژگی‌ها آنها را تقسیم‌بندی کرد:

**الف: از لحاظ روش تحقیق:** غالب تحقیقات انجام گرفته در ایران در زمینه سازگاری زناشویی از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه سود جسته‌اند، و تحقیقات اندکی در ایران موجود می‌باشد که با روش‌های کیفی صورت گرفته باشد.

**ب: جامعه آماری تحقیق:** جامعه آماری اکثریت تحقیقات انجام گرفته زنان ۱۵-۴۹ ساله متأهل بوده‌اند و کمتر تحقیقی در زمینه سازگاری زناشویی در خانواده‌ها (زنان و مردان) صورت گرفته است.

**پ: بر اساس منطقه جغرافیایی انجام تحقیق:** اگر چه تحقیقات به نسبت خوبی در مناطق شمال، شمال غرب، شمال شرق، جنوب غربی و مرکز کشور انجام شده‌است، اما اندک تحقیقی در جنوب، غرب، شرق و جنوب شرق کشور انجام شده و اطلاعات خاصی در خصوص سازگاری در این مناطق در دست نیست.

**ت: بر اساس محتوای مقالات:** در خصوص محتوای مقالات باید گفت، با توجه به مناطقی که تحقیقات انجام گرفته است و شرایط اجتماعی و فرهنگی خاصی که در این مناطق حاکم بوده است، متغیرهای گوناگونی بر سازگاری زناشویی تأثیر داشته‌اند، یا حتی می‌توان گفت متغیرهای یکسان، تأثیرات گوناگونی داشته‌اند.

**ث: بر اساس رشته‌ها، مکاتب و نظریه‌ها:** غالب تحقیقات انجام گرفته بیشتر توسط دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی، مشاوره و ... انجام گرفته است و کمتر تحقیقاتی در این خصوص با رویکرد جامعه‌شناختی و دیدگاه‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

## مبانی نظری

فیس لوگلو<sup>۱</sup> معتقد است که سازگاری زناشویی در برگیرنده‌ی عوامل پیچیده‌ای همچون میزان تعارض و سهیم شدن در فعالیت‌ها، خوشحالی و موفقیت در زندگی زناشویی است. لی مسترز<sup>۲</sup> آن را به‌عنوان ظرفیت

۱ -Fisloglu

۲ Leemesters

انطباق و توانایی حل مسأله تعریف می‌کند. اسپانییر<sup>۱</sup> توضیح می‌دهد که سازگاری زناشویی به‌عنوان یک پیوستار و تغییر در فرایند این پیوستار است. مشکلات زناشویی پس و پیش می‌روند. به‌عنوان انعکاسی از عناصر تعاملی تجربه‌ی انسانی به‌حساب می‌آیند. کیفیت رابطه‌ی زناشویی خاصیت دو نفره دارد و چیزی نیست که اشخاص بتوانند آن را از یک ازدواج دیگر منتقل کنند (فتوحی بناب، ۱۹:۱۳۸۶). سین‌ها<sup>۲</sup> معتقد است، سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع، احساس ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. به‌نظر ماکروچک<sup>۳</sup>، سازگاری در ازدواج از طریق علاقه متقابل، مراقبت از یکدیگر، پذیرش، درک یکدیگر و ارضای نیازها ایجاد می‌شود (قائمیان اسکویی، ۱۴:۱۳۸۸). همان‌گونه که مشاهده می‌گردد برای مفهوم سازگاری زناشویی همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی، تعریف مشخص و واحدی وجود ندارد؛ اما شاید بتوان با توجه به اشتراکات تعاریف موجود، سازگاری زناشویی را ارضای عاطفی طرفین، همکاری آنان و توافقشان بر سر امور مهم تلقی کرد. در مقاله حاضر با توجه به پیچیده و چند بعدی بودن مفهوم سازگاری زناشویی و عوامل مرتبط با آن، سعی شده‌است تنها به بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با آن پرداخته شود که در ادامه بررسی خواهند شد.

گافمن<sup>۴</sup> در نظریه نمایشی<sup>۵</sup> معتقد است هر کنش متقابلی یک "جلوی صحنه" دارد که با "جلوی صحنه" اجرای تئاتری قرینه است. بازیگران صحنه تئاتر و نیز زندگی اجتماعی هر دو به حفظ ظاهر، لباس مناسب پوشیدن و وسایل صحنه‌آرایی علاقمند هستند. وانگهی در هر دو اجرا، یک نوع "عقب صحنه" وجود دارد که بازیگران می‌توانند به آنجا برگردند و خودشان را برای اجرا آماده سازند. در "عقب صحنه" یا "پشت صحنه" بازیگران می‌توانند نقش‌هایشان را وانهند و خودشان بشوند. صحنه‌ی سومی نیز وجود دارد که نه جلو و نه پشت صحنه است، بلکه "خارج از صحنه" قرار دارد. اتاق کار یک استاد در زمان ملاقات با یک دانشجو، جلوی صحنه به‌شمار می‌آید، ولی وقتی دانشجو آنجا را ترک می‌کند، خارج از صحنه است (ریتزر، ۲۹۲:۱۳۷۴). بر اساس نظریه‌ی نمایشی و تعریف فاصله‌ی نقش از سوی گافمن، می‌توان به تفسیر انواع مختلف روابط بین زوجین در خانواده که به پایداری یا ناپایداری زناشویی می‌انجامد اقدام کرد. شاید بتوان گفت در وضعیتی که شوهر و همسرش دارای فاصله‌ی نقش به میزان "کم" هستند یعنی نقش‌های محول (واگذار شده) را محقق می‌سازند، و در صحنه‌های سه‌گانه کنش، با یکدیگر دارای همگونی و هم‌سوئی بیشتری می‌باشند از جمله با ثبات‌ترین خانواده‌ها هستند (بخارایی، ۱۸۷:۱۳۸۷). نظریه شبکه<sup>۶</sup>، رهیافتی ساختاری در جامعه‌شناسی نوین محسوب می‌شود. لذا کنش‌گران و رفتارشان را تحت الزام ساختارها در نظر

۱ - Spanier

۲ - Sinha

۳ - Makerjec

۴ - Erving Goffman

۵ - Dramaturgal Theory

۶ - Network Theory

می‌گیرد و تأکید آن بر کنش‌گران با اختیار بلکه بر الزام ساختاری است (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۷۴). نظریه شبکه در ارتباط با مسائل خانواده بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می‌کند که هرچه روابط بین شبکه متراکم باشد موجب حمایت از زوجین می‌شود و هر چه روابط بین شبکه کمتر و سست‌تر باشد زوجین آزادی عمل بهتری برای انجام تصمیمات عقلانی دارند. یا به عبارتی در این نظریه عدم مداخله بزرگ‌ترها موجب اتخاذ تصمیمات لازم و درست و ایجاد حس وابستگی لازم میان زن و شوهر و رضایت روابط آنان موجب استحکام زندگی زناشویی می‌شود و برعکس می‌تواند باشد (سگالن، ۱۳۷۰: ۲۵۵؛ اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۲۴؛ گود، ۱۳۷۲: ۲۰۳). نظریه همسان همسری<sup>۱</sup>، استحکام، سلامت، خوشبختی و پایداری خانواده را به واسطه وجود همسان می‌داند. تأکید اصلی نظری همسان همسری در استحکام خانواده بر مبنای ویژگی‌های مشترک و همسان زوجی دور می‌زند و همسانی‌های مختلف از قبیل: همسانی محل، سکونت، سن، تحصیلی، عقیدتی، ذهنی و معنوی را تداوم بخش یک زندگی سعادت‌مند ذکر می‌کند (ترن، ۱۳۷۲: ۲۳۷؛ ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۲۷؛ واگو، ۱۳۷۲: ۱۵۱؛ به نقل از اسدیان، مهدوی، ۱۳۷۷: ۴۳۰؛ تقوی، ۱۳۷۴: ۱۵۸؛ ساروخانی، ۱۳۸۸: ۵۴؛ حسینی، ۱۳۶۷: ۵۴ و سگالن، ۱۳۷۰: ۶۷).

نظریه مبادله<sup>۲</sup>، به سود انگاری توجه دارد و رفتار بشر را محصول پیگیری منافع شخصی در نظر می‌گیرد. افراد گروه‌های اجتماعی را فقط به‌خاطر نفع شخصیشان شکل می‌دهند و در حقیقت افراد محاسبه‌گران عقلانی در مورد سود و هزینه می‌باشند. بدین ترتیب از دیدگاه نظریه مبادله، زندگی خانوادگی میدانی است که زوجین در آن بر اساس سود و زیان به مبادله، و تعامل می‌پردازند و چنانچه احساس کنند در این بین دچار زیان شده‌اند از ابتدا سعی در ترمیم روابط نموده و موجب رضایت از زندگی مشترک می‌شوند و در صورت عدم موفقیت اقدام به کناره‌گیری از ادامه مبادله و در نهایت احتمالاً به جدایی و طلاق اعمال می‌کنند (ملتفت، ۱۳۸۱: ۲۳؛ اسکید مور، ۱۳۷۲: ۴۷؛ ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۳۷؛ بدار، لوک و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۶، به نقل از اسدیان، ۱۳۸۵). در نظریه کنش متقابل نمادین<sup>۳</sup>، انسان دارای استعداد اجتماعی شدن بوده و می‌تواند در مورد محیط پیرامونی و موفقیت خودش بر اساس نظام نمادین داوری کند و از این طریق در ساختن خود موثر باشد. به عبارت دیگر، خود اجتماعی در فرایند تعامل با دیگران ساخته می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۲۵). رفتار و نقش مناسب برای مردان و زنان (زن و شوهر) به آموزه‌هایی که در طول جامعه پذیری داشته‌اند بر می‌گردد. در همین زمینه بلاد<sup>۴</sup> به این امر معتقد است که توازن بین زن و شوهرها تا حدی متأثر از باورهای زن و شوهر در مورد نقش‌های آنان در امر ازدواج است. بنابراین زوجین می‌توانند در کنار هم زندگی مطلوبی داشته باشند که موقعیت و جایگاه آنان در خانواده مورد تعدی قرار نگیرد و با توجه به برداشتی که از وظایف خود و همسر دارند اقدام به عمل نموده و انتظار بازخورد عمل متقابل را داشته باشند. در صورتی که چنین موقعیت فراهم

۱ Homogamy Theory

۲ Exchange Theory

۳ Symbolic Interactional Theory

۴ Blad



شود و زن و شوهر پاسخ مطلوبی از طرف مقابل دریافت کند احساس آرامش و امنیت و علاقه در آن به‌وجود می‌آید و موجب سازگاری زناشویی از موقعیت مطلوب می‌شود. از شاخص‌های این نظریه می‌توان به جامعه-پذیری زن و شوهر و برآورده شدن انتظارات آنان اشاره کرد.

در نظریه‌ی پارسونز<sup>۱</sup>، با توجه به تفکیک نقش برحسب جنس می‌توان چنین نتیجه گرفت که مرد باید مسلط و رقابت‌جو باشد و نقش زن مستلزم انفعال و پرورش دهنده‌گی است. در اینجا علیرغم نابرابری ناشی از تفکیک نقش‌ها، کل جامعه از این تمایزات بهره‌مند می‌شود. به باور وی، این الگو به بهترین شکل، زمینه ایفای کارکردهای اصلی خانواده یعنی تثبیت شخصیت بزرگسالان و جامعه‌پذیری کودکان را فراهم می‌کند و این امر در ثبات و یکپارچگی خانواده و در نتیجه، در یکپارچگی اجتماعی نقش اساسی دارد (تقوی و همکاران، ۲۷: ۱۳۹۲). همچنین به نظر پارسونز، در خانواده‌های هسته‌ای، عشق هم‌منا و هم‌پیامد ازدواج است. زیرا بدون عشق خانواده‌ها از هم می‌گسلند. مهم‌ترین پیامد اجتماعی مطلوب این ازدواج عاشقانه، اجتماعی کردن کودکان و جامعه‌پذیری آنان برای ایفای نقش سازنده در آینده و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و بزهکاری کودکان، نوجوانان و جوانان است (اعزاز، ۷: ۱۳۸۱؛ محبوبی منش، ۱۳۸۳: ۱۷۸). در نظریه اعتماد گیدنز<sup>۲</sup>، پایه‌های استحکام خانواده‌ها بر زیربنای "اعتماد" استوار است. (گیدنز، ۳۷: ۳۳؛ بخارایی، ۱۳۸۷: ۱۸۴). اعتماد و اطمینان زوجین نسبت به یکدیگر از حداقل تا حداکثر در نوسان است. بنابراین هر چقدر زوجین از حداکثر اعتماد و اطمینان برخوردار باشند، سازگاری زناشویی بالا و استحکام خانواده بیشتر خواهد بود.

سازگاری زناشویی تحت تأثیر عوامل متعددی است. یکی از عواملی که بر سازگاری زناشویی تأثیر دارد ساختار قدرت در خانواده است. جامعه‌شناسان قدرت را رابطه اجتماعی می‌دانند که فرد در موقعیتی قرار می‌دهد که می‌تواند خواست خود را علیرغم هر مقاومتی اعمال کند؛ به‌طور مثال قدرت از نظر وبر<sup>۳</sup> عبارت است از: امکان تحمل اراده یک فرد بر رفتار دیگران. از جمله عوامل توانایی کنترل دیگران و داشتن قدرت، داشتن منابع قدرت؛ به‌عنوان مثال پول است. در اکثر خانواده‌ها این پدر و مادر خانواده‌ها هستند که منابع قدرت را کنترل می‌کنند و بر اساس آن سه نوع قدرت در خانواده‌ها می‌تواند شکل بگیرد: هرج و مرج<sup>۴</sup>، قدرت متقارن<sup>۵</sup> و قدرت مکمل<sup>۶</sup> (هانسون، ۲۰۰۱: ۷). این مسأله که توزیع قدرت در درون خانواده و میزان برخورداری هر یک از زوجین و فرزندان از آن چگونه است و الگوهای تصمیم‌گیری (حاکمیت پدر، حاکمیت مادر) به چه صورت است، ساختار قدرت در خانواده را مخص می‌کند (سیدانیوس و پنا، ۲۰۰۲: ۵). ساختار تصمیم‌گیری در خانواده را

۱ Parsons Theory

۲ Gidenz Trust Theory

۳ Weber

۴ Chaosn

۵ Symmetric power

۶ Supplements Power

۷ Supplements Power

در سه مقوله دسته‌بندی کرده‌اند: ۱. خانواده‌هایی که در آن‌ها پدر بیشترین قدرت تصمیم‌گیری را داراست. ۲. خانواده‌هایی که در آن‌ها مادر بیشترین قدرت تصمیم‌گیری را داراست. ۳. خانواده‌هایی که در آن‌ها قدرت تصمیم‌گیری به‌طور یکسان بین پدر و مادر تقسیم شده‌است. بر اساس نحوه تصمیم‌گیری در خانواده می‌توان تصمیم‌گیری در خانواده را به اقتدارگرایانه و دموکراتیک تقسیم‌بندی کرد و آن را به صورت طیفی در نظر گرفت که در سر آن (نقطه صد) خانواده‌هایی قرار دارند که قدرت تصمیم‌گیری در آن‌ها به‌طور یکسان بین پدر و مادر تقسیم شده‌است و ما شاهد الگوی مشارکتی هستیم و در سر دیگر آن (نقطه صفر)، خانواده‌هایی قرار دارند که بیشترین قدرت تصمیم‌گیری به‌صورت نابرابرانه در قالب سلطه شوهر یا زن قرار دارد. بات، بادرو منکن (۲۰۰۳) معتقدند "خانواده‌هایی که در آن‌ها زن و شوهر از سهم یکسانی از قدرت برخوردارند، خانواده‌هایی برابر یا متعادل از حیث توزیع قدرت‌اند و بنابراین، کمتر پدر سالارانه و خانواده‌هایی که در آن‌ها میزان برخورداری زن و شوهر از قدرت یکسان نیست یا همان خانواده‌های نابرابر و نامتعادل از حیث توزیع قدرت، سطوح بالایی از پدر سالاری را تجربه خواهند کرد". حال باید چه عواملی بر توزیع قدرت در خانواده موثر است و منابع قدرت کدام‌اند؟

اولین نظریه ارائه شده در تبیین این موضوع که تحقیقات بسیاری بر پایه آن انجام شده‌است، نظریه منابع<sup>۱</sup> است. در حقیقت، طرح مباحث نظری در مورد ساختار قدرت در خانواده تقریباً به دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد که بلاد و ولف<sup>۲</sup> اولین نظریه در این زمینه را با عنوان "نظریه منابع" ارائه دادند. این نظریه بر اساس رهیافت مبادله، توزیع قدرت بین زن و شوهر را در تصمیم‌گیری‌ها تبیین می‌کند. اصطلاح "منابع" به‌طور کلی، بر پایه این فرض قرار دارد که هر چه منابع با ارزشی که شخص برای ازدواج فراهم می‌کند، بیشتر باشد، در خانواده از قدرت بیشتری نیز برخوردار است (استراوس و یودانیس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵:۴۳۷). بلاد و ولف در مطالعه خود دریافتند که قدرت شوهر در خانواده، عموماً با افزایش سطح تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی او افزایش می‌یابد؛ بنابراین متغیرهای یاد شده به‌عنوان منابعی که مردان می‌توانند از آن‌ها در جهت کسب قدرت بیشتر در روابط خانوادگی استفاده کنند، تعریف شد. قدرت معمولاً از طریق فرایند تصمیم‌گیری، اندازه‌گیری می‌شود. بر اساس این نظریه، سطح تحصیلات، درآمد، پایگاه شغلی، سن، در طول مدت ازدواج از متغیرهایی هستند که بر روی توزیع در خانواده تأثیر می‌گذارند (بلاد و ولف ۱۹۶۹ به نقل از عنایت و دسترنج، ۱۳۸۹:۱۱۱).

**نظریه تفکیک نقش‌ها:** پارسونز با بررسی خانواده هسته‌ای در قرن بیستم معتقد است که ساختار خانواده، حاصل تمایز پذیری و تفکیک در دو محور "سلسله مراتب قدرت" و "نقش‌های ابزاری در مقابل نقش‌های احساسی - عاطفی" است. از نظر وی تفاوت نقش زن و شوهر در خانواده ناشی از تفاوت‌های زیستی آن‌ها

<sup>۱</sup> Resource theory

<sup>۲</sup> Blood and Wolf

<sup>۳</sup> Straus & Yodanis

است. نقش مرد، ابزاری و نقش زن، احساسی-عاطفی "بیانگر" است (آهلاندر و باهر، ۱۹۹۵ به نقل از مهدی زاده و صالحی، ۱۳۸۶: ۱۷۶). زنان بنبر وضعیت بیولوژیک خود در تولید مثل، غریزه پرورش دیگران را دارند که این غریزه آن‌ها را برای ایفای نقش پر احساس در خانواده هسته‌ای کاملاً شایسته می‌سازد. نظریه پردازانی که قایل به تفکیک نقش در خانواده‌اند، معتقدند که تقسیم نقش در خانواده مبتنی بر جنسیت بوده و هر یک از زوجین متناسب با ویژگی‌های جنسیتی خود، وظایف و مسئولیت‌های خاصی را بر عهده دارند. زنان با توجه به این ویژگی‌ها، عهده دار نقش همسری و مادری بوده و وظیفه حمایت عاطفی از خانواده را دارند، در حالی که مردان به علت توانایی‌های جسمی خود باید عهده دار تأمین معاش و امور اقتصادی خانواده باشند و از آنجا که قدرت مالی در دست مردان است، از قدرت تصمیم‌گیری در خانواده برخوردار خواهند بود. از نظر پارسونز و سایر کارکردگراها، خانواده زمانی دارای کارکرد موثر است که نوعی تقسیم کار جنسیتی در آن برقرار باشد تا نقش زن و مرد متفاوت از یکدیگر ایفا شود. دیدگاه فمینیستی<sup>۲</sup>: بر اساس نظریه فمینیستی، زنان جامعه در موقعیت نابرابری نسبت به مردان واقع شده‌اند. زنان نسبت به مردان دسترسی کمتری به منبع مالی، پایگاه اجتماعی، قدرت و فرصت‌هایی برای خود شکوفایی در مکان اجتماعی دارند و این نابرابری، نتیجه سازماندهی جامعه است، نه این که منشأ بیولوژیکی یا تفاوت‌های شخصیتی بین زنان و مردان داشته باشد. در حوزه خانواده نیز فمینیست‌ها معتقدند که اساس خانواده به‌سوی برابری و تقارن نرفته است. از این رو، خانواده مکان نابرابری است، جایی که زنان مطیع هستند و نقش‌های آن‌ها از پیش تعیین شده‌است. فمینیست‌ها بر این باورند که دو ساختار بسته از تابعیت و فرمان برداری زنان در خانواده وجود دارد. این دو ساختار گرایش جنسیت زن و مرد را در خانواده درونی کرده، آن را به فرزندان انتقال می‌دهد و باعث دایمی شدن سلطه مرد و مطیع بودن زن می‌شود (ابوت و والاس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰، به نقل از یزدی و حسینی، ۱۳۸۷: ۱۶۱). نقطه عزیمت این دیدگاه در این است که معتقدند چگونگی توزیع منابع مالی در خانواده بستگی به روابط قدرت بین زن و شوهر دارد و روابط قدرت به این امر بر می‌گردد که چه کسی حق تصمیم‌گیری دارد که چگونه و کجا پول خانواده صرف می‌شود؟ (مهدوی و صبوری، ۱۳۸۲: ۳۷).

بر اساس نظریه‌گیدنز در جوامع پیشامدزن غالباً سنت، رفتار روزمره را هدایت می‌کرد در حالی که در جوامع مدرن اعمال اجتماعی پیوسته در پرتو اطلاعات جدید مورد بازبینی قرار می‌گیرد (سیدمن، ۱۳۹۰: ۱۹۳). گیدنز معتقد است موقعیت زنان در جامعه مدرن در حال تغییر است که این موضوع به یکسان شدن قدرت زنان با مردان مربوط می‌شود و جامعه در ارتباط میان جامعه در ارتباط میان دو جنس هر روز مساوات طلب‌تر می‌شود. به نظر او علاوه بر عرصه سیاسی در حوزه زندگی عاطفی نیز الزم است به سمت تساوی حرکت کنیم و دموکراسی را به وجود آوریم چرا که در دموکراسی ارتباطات وجود دارد و افراد این امکان را دارند که با یکدیگر

۱ Ahlander & Bahr

۲ Feminism

۳ Wallas

سخن بگویند و درباره مسایل بحث کنند. و خانواده منسجم خانواده‌ای است که بر اساس تساوی دو جنس بنا شده باشد. بر این اساس خانواده دوباره نیرومند می‌شود و محملی برای تکیه انسان‌ها به یکدیگر می‌گردد و این خانواده مشابه خانواده سنتی نخواهد بود در جامعه‌ای که سنت اهمیت خود را از دست داده است.

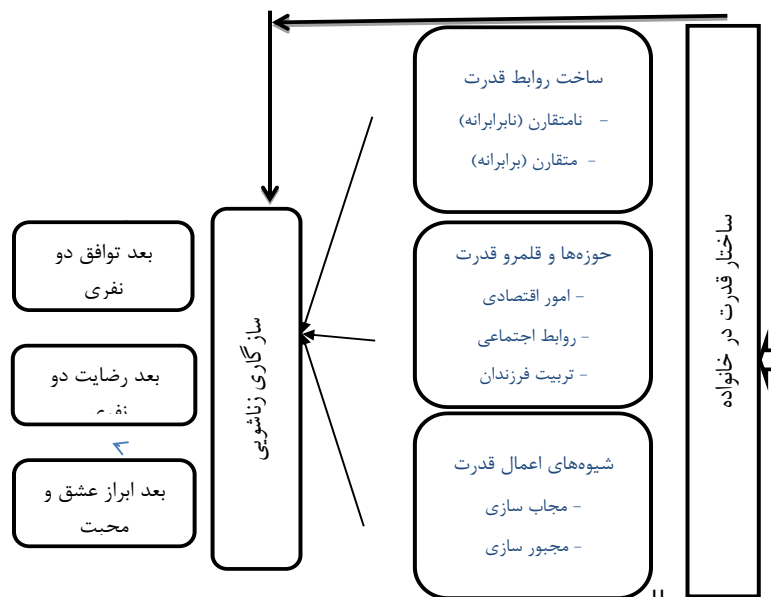
تنها راه برقراری اقتدار توسل به دموکراسی از راه نوین آن یعنی بر مبنای فعال و مشارکتی است و تساوی، ارتباط و گفتگو در مورد مسایل و اعتماد و احترام متقابل، استقلال، تصمیم‌گیری آزادانه از جمله اصول دموکراسی می‌باشد (گیدنز، ۱۳۸۵) وی از اصطلاح سیاست‌های بخش صحبت می‌کند که با نوعی مفهوم پلکانی از قدرت سر و کار دارد. سیاست‌های رهایی بخش معمولاً خواستار کاهش و یا لغو کامل استثمار، نابرابری و ستمگری هستند و بر اولویت اصول اساسی عدالت، برابری و مشارکت تأکید دارند (گیدنز، ۱۳۹۳: ۲۹۸).

### چارچوب نظری تحقیق

در پژوهش حاضر در حوزه سازگاری زناشویی تئوری‌های (نمایشی گافمن، همسان همسری، کنش متقابل و تفکیک نقش پارسونز) و در حوزه ساختار قدرت نظری‌های (منابع، تفکیک نقش پارسونز، گیدنز، فمینیستی و گیدنز) به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب شدند. بر اساس نظریه‌ی نمایشی و تعریف فاصله‌ی نقش از سوی گافمن، می‌توان به تفسیر انواع مختلف روابط بین زوجین در خانواده که به پایداری یا ناپایداری زناشویی می‌انجامد اقدام کرد. شاید بتوان گفت در وضعیتی که شوهر و همسرش دارای فاصله‌ی نقش به‌میزان "کم" هستند یعنی نقش‌های محول (واگذار شده) را محقق می‌سازند، و در صحنه‌های سه‌گانه کنش، با یکدیگر دارای همگونی و هم‌سوئی بیشتری می‌باشند از جمله با ثبات‌ترین خانواده‌ها هستند. تأکید اصلی نظری همسان همسری در استحکام خانواده بر مبنای ویژگی‌های مشترک و همسان زوجی دور می‌زند و همسانی‌های مختلف از قبیل: همسانی محل، سکونت، سن، تحصیلی، عقیدتی، ذهنی و معنوی را تداوم بخش یک زندگی سعادت‌مند ذکر می‌کند. در نظریه کنش متقابل در صورتی که زن و شوهر پاسخ مطلوبی از طرف مقابل دریافت کنند احساس آرامش و امنیت و علاقه در آن به‌وجود می‌آید و موجب سازگاری زناشویی از موقعیت مطلوب می‌شود. از شاخص‌های این نظریه می‌توان به جامعه‌پذیری زن و شوهر و برآورده شدن انتظارات آنان اشاره کرد.

همچنین به نظر پارسونز، در خانواده‌های هسته‌ای، عشق هم‌منا و هم‌پیامد ازدواج است. زیرا بدون عشق خانواده‌ها از هم می‌گسلند. مهم‌ترین پیامد اجتماعی مطلوب این ازدواج عاشقانه، اجتماعی کردن کودکان و جامعه‌پذیری آنان برای ایفای نقش سازنده در آینده و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و بزهکاری کودکان، نوجوانان و جوانان است. در زمینه ساختار قدرت نظریات مختلفی وجود دارد. یکی از این نظریه‌ها، نظریه منابع است. این نظریه بر اساس رهیافت مبادله، توزیع قدرت بین زن و شوهر را در تصمیم‌گیری‌ها تبیین می‌کند. اصطلاح "منابع" به‌طور کلی، بر پایه این فرض قرار دارد که هر چه منابع با ارزشی که شخص برای ازدواج فراهم می‌کند، بیشتر باشد، در خانواده از قدرت بیشتری نیز برخوردار است (استراوس و

یودانیس<sup>۱</sup> (۱۹۹۵:۴۳۷). بلاد و ولف در مطالعه خود دریافتند که قدرت شوهر در خانواده، عموماً با افزایش سطح تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی او افزایش می‌یابد؛ بنابراین متغیرهای یاد شده به‌عنوان منابعی که مردان می‌توانند از آن‌ها در جهت کسب قدرت بیشتر در روابط خانوادگی استفاده کنند، تعریف شد. نظریه تفکیک نقش پارسونز، زنان با توجه به این ویژگی‌ها، عهده‌دار نقش همسری و مادری بوده و وظیفه حمایت عاطفی از خانواده را دارند، در حالی که مردان به علت توانایی‌های جسمی خود باید عهده‌دار تأمین معاش و امور اقتصادی خانواده باشند و از آنجا که قدرت مالی در دست مردان است، از قدرت تصمیم‌گیری در خانواده برخوردار خواهند بود. بر اساس نظریه فمینیستی، زنان جامعه در موقعیت نابرابری نسبت به مردان واقع شده‌اند. زنان نسبت به مردان دسترسی کمتری به منبع مالی، پایگاه اجتماعی، قدرت و فرصت‌هایی برای خود شکوفایی در مکان اجتماعی دارند و این نابرابری، نتیجه سازماندهی جامعه است، نه این که منشأ بیولوژیکی یا تفاوت‌های شخصیتی بین زنان و مردان داشته باشد. گیدنز معتقد است موقعیت زنان در جامعه مدرن در حال تغییر است که این موضوع به یکسان شدن قدرت زنان با مردان مربوط می‌شود و از اصطلاح سیاست‌های بخشی صحبت می‌کند که با نوعی مفهوم پلکانی از قدرت سر و کار دارد. سیاست‌های رهایی بخش معمولاً خواستار کاهش و یا لغو کامل استثمار، نابرابری و ستمگری هستند و بر اولویت اصول اساسی عدالت، برابری و مشارکت تأکید دارند (گیدنز، ۱۳۹۳: ۲۹۸).



<sup>۱</sup> Straus & Yodanis

**فرضیات تحقیق****فرضیه اصلی**

- بین ساختار قدرت (کل) و سازگاری زوجین (کل) در بین خانواده‌های شهر چهارم رابطه معنی‌دار وجود دارد.

**فرضیات فرعی**

- بین ساختار قدرت (بعد ساخت روابط قدرت) و سازگاری زوجین (توافق دو نفری) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین ساختار قدرت (بعد حوزه‌ها و قلمرو قدرت) و سازگاری زوجین (توافق دو نفری) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین ساختار قدرت (شیوه‌های اعمال قدرت) و سازگاری زوجین (توافق دو نفری) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین ساختار قدرت (ساخت روابط قدرت) و سازگاری زوجین (بعد رضایت دو نفری) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین ساختار قدرت (حوزه‌ها و قلمرو قدرت) و سازگاری زوجین (بعد رضایت دو نفری) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین ساختار قدرت (شیوه‌های اعمال قدرت) و سازگاری زوجین (بعد رضایت دو نفری) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین ساختار قدرت (ساخت روابط قدرت) و سازگاری زوجین (بعد ابراز عشق و محبت) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین ساختار قدرت (حوزه‌ها و قلمرو قدرت) و سازگاری زوجین (بعد ابراز عشق و محبت) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین ساختار قدرت (شیوه‌های اعمال قدرت) و سازگاری زوجین (بعد ابراز عشق و محبت) رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین متغیرهای جمعیتی ( سن، فاصله سنی، تحصیلات زوجین، شغل زوجین، درآمد زوجین، مدت ازدواج، تعداد فرزندان) و سازگاری زوجین رابطه معناداری وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی زوجین و سازگاری آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

## روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش کمی و از پیمایش<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از روش‌های مرسوم در تحقیق‌های کمی استفاده شده‌است. برای گردآوری داده‌های پیمایش می‌توان از تکنیک‌های مختلفی سود جست. با این همه، پرسشنامه پرکاربردترین تکنیک است. پرسشنامه، تکنیکی بسیار ساختمان‌د، برای گردآوری داده‌هاست که در آن از هر پاسخگویی مجموعه‌ی یکسانی از پرسش‌ها پرسیده می‌شود (دواس<sup>۲</sup>، ۱۳۹۰).

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر، کلیه خانواده‌های شهر جهرم واقع در جنوب استان فارس می‌باشد. در این پژوهش هر یک از خانواده‌های شهر جهرم به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده‌اند. براساس فرمول کوکران و در نظر گرفتن مقادیر انحراف معیار ( $t=1/96$ )، دقت احتمالی ۵ درصد و احتمال خطای نمونه‌گیری ۵ درصد یا به عبارتی سطح اطمینان ۹۵ درصد، تعداد ۳۵۱ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

شیوه نمونه‌گیری، تصادفی است و جهت انجام آن ابتدا نقشه شهر، مدرج و محورهای  $X$  و  $Y$  بر روی آن مشخص گردید. سپس به‌طور تصادفی ۱۰ نقطه بر روی محور  $X$  و ۱۰ نقطه بر روی  $Y$  تعیین و محل تقاطع آن‌ها به‌عنوان نقطه نمونه‌گیری انتخاب شدند (شهرک انقلاب، بلوار جانبازان، میدان مصلی، میدان نبوت، میدان گاز، بلوار مادر، فرهنگ شهر، اورژانس، شهرک امام حسین، بلوار سپاه). از پرسشگران خواسته شد در نقطه مورد نظر مستقر شوند و سپس یکی از جهات جغرافیایی (شرق، غرب، شمال، جنوب) را به‌طور تصادفی انتخاب کنند. در مرحله بعد از آن‌ها خواسته شد کوچه‌های سمت راست را انتخاب و در هر کوچه از کد پستی منازل که رقم سمت راست آن‌ها زوج بود به تعداد مورد نظر انتخاب و با فردی که واجد شرایط باشد (۳۰-۱۵) مصاحبه نمایند. در مجموع در ۱۰ نقطه شهر تعداد ۴۰۰ نفر مورد مراجعه قرار گرفتند که فقط دستیابی به ۳۵۱ نفر امکان پذیر گردید.

اعتبار<sup>۳</sup> و پایایی<sup>۴</sup> ابزارهای اندازه‌گیری

جهت تعیین اعتبار از اعتبار سازه به روش تحلیل عاملی و جهت تعیین پایایی از همابستگی درونی ابزار به روش آلفا کرونباخ استفاده گردیده‌است. منظور از اعتبار این است که مقیاس محتوای ابزار یا سؤالات مندرج در ابزار دقیقاً متغیرها و موضوع مورد مطالعه را مورد سنجش قرار دهد یا به‌عبارت‌دیگر واژه‌ی اعتبار اشاره به این نکته دارد که این سنجش تجربی تا چه حد معنای واقعی مفهوم مورد بررسی را به‌قدر کافی منعکس می‌کند (بیبی، ۱۳۸۴: ۲۸۲). برای بررسی میزان دقت شاخص‌ها و گویه‌های مربوط به هر متغیر و

۱. Survey

۲. De Vaus

36-Validity

37-Reliability

38-Babbie

سنجش اعتبار پرسشنامه‌ها، از اعتبار سازه ۱ یعنی روش تحلیل عاملی ۲ استفاده گردید. در این پژوهش جهت سنجش اعتبار پرسشنامه متغیر وابسته و متغیر مستقل از اعتبار سازه به روش تحلیل عاملی استفاده شده است. نتایج تحلیل عاملی متغیر وابسته در جدول (۳) و متغیر مستقل در جدول (۴) خلاصه شده است. بر اساس نتایج به دست آمده مقدار  $KMO^3$  برای کل ابعاد سازه سازگاری زوجین (۰/۹۱۰) است که بیانگر کفایت اندازه نمونه است. به علاوه شاخص مجذور کای برای آزمون کرویت بارتلت ۴ ( $P < ۰/۰۰۰$ ) است که به لحاظ آماری معنی دار است و نشان می‌دهد بین متغیرها همبستگی وجود دارد. تحلیل عاملی مورد نظر از نوع تاییدی است، و با توجه به ابعادی که برای هر سازه تعریف شده بود تعداد عامل‌ها نیز به همان اندازه در نظر گرفته شد که عوامل و مولفه‌های مربوط به هر کدام، مشخص شده است.

نظر به این که تحلیل عاملی تاییدی مورد استفاده قرار گرفت، گویه‌هایی که بار عاملی نداشتند یا با عواملی غیر از آن چه پیش‌بینی شده بود همبستگی داشتند، از مدل حذف شدند در نتیجه تعداد کل گویه‌ها کاهش یافت. در مقیاس سازگاری زوجین عامل‌ها (توافق دوفری، رضایت دوفری، ابراز عشق و محبت) در مجموع (۵۱/۶۴ درصد) از واریانس سازگاری زوجین را تبیین می‌کنند. به طوری که بعد توافق دوفری (۲۳/۴۰)، بعد رضایت دوفری (۳۸/۱۲)، و بعد ابراز عشق و محبت (۱۳/۵۲) از واریانس سازگاری زوجین را تبیین می‌کنند. همچنین در مقیاس ساختار قدرت عامل‌ها (بعد روابط قدرت، حوزه‌ها و قلمرو قدرت، شیوه‌های اعمال قدرت) در مجموع (۴۴/۶۳ درصد) از واریانس ساختار قدرت را تبیین می‌کنند. به طوری که بعد ساخت روابط قدرت (۲۵/۷۱)، بعد حوزه‌ها و قلمرو قدرت (۳۷/۴۲)، و بعد شیوه‌های اعمال قدرت (۷/۲۰۵) از واریانس ساختار قدرت را تبیین می‌کنند.

پایایی نیز به این معنی است که آیا ابزار سنجش دارای ویژگی تکرارپذیری هست؟ یعنی در صورت تکرار عملیات تحقیق می‌توان به نتایج مشابهی رسید ابزار تحقیق زمانی از این قابلیت برخوردار است که ضریب پایایی بالایی داشته باشد یعنی در صورت تکرار، نتایج مشابه به دست دهد (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۸۸). برای تعیین پایایی ابزارهای اندازه‌گیری، بهترین روش استفاده از ضریب آلفای کرونباخ می‌باشد. این روش برای محاسبه‌ی هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری به‌ویژه پرسشنامه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تحقیق ضریب آلفای برای متغیر سازگاری زناشویی (کل) به‌عنوان متغیر اصلی این تحقیق ۰/۸۴۰ گزارش شده است. مقدار آماری آلفای کرونباخ برای مقیاس سازگاری زوجین و سایر متغیرهای مستقل در جدول (۲) نشان داده شده است. پایایی هر یک از ابعاد محاسبه شده که برای سازگاری زوجین (مجموع ابعاد)، (۰/۸۴۰) بعد توافق دوفری، (۰/۷۹۵)، بعد رضایت دوفری (۰/۷۷۰)، بعد ابراز عشق و محبت (۰/۸۳۰)، ساختار قدرت ۰ مجموع

۱ Construct Validity

۲ Factor Analysis

42 Kaiser-Meyer-Olkin

۴ Bartlett's Test



ابعاد (۰/۷۶۰)، بعد ساخت روابط قدرت (۰/۷۰۰)، بعد حوزه‌ها و قلمرو قدرت (۰/۸۳۰) و بعد شیوه‌های اعمال قدرت (۰/۷۵۰)، است. در این پژوهش، داده‌های به‌دست‌آمده در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند

جدول ۲: ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌های پرسشنامه

| مقیاس                              | تعداد گویه | ضریب آلفای کرونباخ |
|------------------------------------|------------|--------------------|
| سازگاری زوجین (کل)                 | ۲۴         | ۰/۸۴۰              |
| سازگاری زوجین (توافق دو نفری)      | ۱۲         | ۰/۷۹۵              |
| سازگاری زوجین (رضایت دو نفری)      | ۸          | ۰/۷۷۰              |
| سازگاری زوجین (ابراز محبت)         | ۴          | ۰/۸۳۰              |
| ساختار قدرت (کل)                   | ۳۶         | ۰/۷۶۰              |
| ساختار قدرت (ساخت روابط قدرت)      | ۱۲         | ۰/۷۰۰              |
| ساختار قدرت (حوزه‌ها و قلمرو قدرت) | ۱۴         | ۰/۸۳۰              |
| ساختار قدرت (شیوه‌های اعمال قدرت)  | ۱۰         | ۰/۷۵۰              |

جدول ۳: تحلیل عاملی مقیاس سازگاری زوجین (مجموع ابعاد)

| ضریب آلفا | واریانس تبیین شده | مقدار ویژه | عامل‌ها          |               |               | سازه                               |
|-----------|-------------------|------------|------------------|---------------|---------------|------------------------------------|
|           |                   |            | ابراز عشق و محبت | رضایت دو نفری | توافق دو نفری |                                    |
|           |                   |            | وزن عاملی        | وزن عاملی     | وزن عاملی     |                                    |
| ۰/۷۹۵     | ۲۳/۴۰             | ۸/۶۴       |                  |               | ۰/۷۳۷         | اداره امور مالی و اقتصادی خانواده  |
|           |                   |            |                  |               | ۰/۷۳۲         | امور تفریحی و اوقات فراغت          |
|           |                   |            |                  |               | ۰/۶۴۲         | مسائل و موضوعات مذهبی              |
|           |                   |            |                  |               | ۰/۷۳۰         | رفت و آمد با دوستان و آشنایان      |
|           |                   |            |                  |               | ۰/۳۰۵         | روابط جنسی                         |
|           |                   |            |                  |               | ۰/۷۶۲         | فلسفه و معنای زندگی (هدف از زندگی) |
|           |                   |            |                  |               | ۰/۷۱۹         | شیوه رفتار با والدین خود و همسر    |

|       |  |      |                      |  |           |  |
|-------|--|------|----------------------|--|-----------|--|
| ۰/۳۲۰ | مقدار زمانی که با یکدیگر می‌گذرانید    |      |                      |  |           |  |
| ۰/۲۰۵ | اخذ تصمیم‌های مهم                      |      |                      |  |           |  |
| ۰/۶۵۱ | کارهای خانه                            |      |                      |  |           |  |
| ۰/۶۵۰ | ورزش کردن و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی |      |                      |  |           |  |
| ۰/۲۲۸ | تصمیمات تحصیلی و شغلی                  |      |                      |  |           |  |
| ۰/۷۷۰ | ۳۸/۱۲                                  | ۲/۳۰ | ۰/۵۶۲                | شما و همسرتان چند وقت یکبار درباره‌ی طلاق، جدایی یا پایان دادن به رابطه‌تان با هم بحث کرده یا در این مورد فکر می‌کنید؟ |           |  |
|       |  |      | ۰/۶۶۷                | شما و همسرتان چند وقت یکبار پس از دعوا خانه را ترک می‌کنید؟  |           |  |
|       |  |      | -۰/۳۹۲               | به طور کلی، شما چند وقت یکبار فکر می‌کنید که همه چیز بین شما و همسرتان خوب پیش می‌رود؟                                 |           |  |
|       |  |      | -۰/۴۰۱               | آیا به همسرتان اعتماد دارید؟   |           |  |
|       |  |      | ۰/۷۳۳                | آیا تا به حال از اینکه با همسرتان ازدواج کرده یا با او زندگی می‌کنید احساس پشیمانی کرده‌اید؟                           |           |  |
|       |  |      | ۰/۵۸۸                | شما و همسرتان چند وقت یکبار دعوا می‌کنید؟  |           |  |
|       |  |      | ۰/۶۵۴                | هرچند وقت یکبار شما و همسرتان، روی اعصاب یکدیگر می‌روید؟   |           |  |
|       |  |      | ۰/۶۶۴                | کار کردن با هم بر روی یک پروژه   |           |  |
| ۰/۸۳۰ | ۱۳/۵۲                                  | ۱/۴۴ | ۰/۶۲۱                | بوسیدن همسر  |           |  |
|       |  |      | ۰/۷۸۶                | با هم خندیدن   |           |  |
|       |  |      | ۰/۶۰۹                | تبادل افکار و اندیشه‌های هیجان‌انگیز   |           |  |
|       |  |      | ۰/۸۴۰                | با آرامش درباره چیزی بحث کردن  |           |  |
|       |  |      | ۰/۹۱۰                | آزمون <i>KMO</i> جهت متناسب بودن اندازه نمونه  |           |  |
|       |  |      | Chi- square=۴۰۳۶/۱۳۴ | DF=۰/۲۷۶   | Sig=۰/۰۰۰ | آزمون Bartlett جهت درست بودن تفکیک عامل‌ها |
|       |  |      | ۰/۸۴۰                | ضریب آلفا کرانباخ کل مقیاس سازگاری زوجین   |           |  |
|       |  |      | ۵۱/۶۴                | جمع کل واریانس تبیین شده سازگاری زوجین توسط سه عامل  |           |  |

## جدول ۴: تحلیل عاملی مقیاس ساختار قدرت (مجموع ابعاد)

| ضریب آلفا | واریانس تبیین شده | مقدار ویژه | عامل‌ها            |                      |                 | سازه |
|-----------|-------------------|------------|--------------------|----------------------|-----------------|------|
|           |                   |            | شبه‌های اعمال قدرت | حوزه‌ها و قلمرو قدرت | ساخت روابط قدرت |      |
|           |                   |            | وزن عاملی          | وزن عاملی            | وزن عاملی       |      |

## تبیین جامعه‌شناختی رابطه ساختار قدرت و سازگاری زناشویی

۷۵

|       |       |     |       |   |
|-------|-------|-----|-------|---|
| ۰/۷۰۰ | ۲۵/۷۱ | ۹/۲ | ۰/۷۱۲ | معمولا شوهرم در تصمیماتی که در خانه گرفته می‌شود نظر مرا نمی‌خواهد.   |
|       |       |     | ۰/۷۹۹ | گاهی اوقات مخالفت با تصمیماتی که شوهرم در امور زندگی می‌گیرد، بی‌فایده است.   |
|       |       |     | ۰/۵۶۲ | شوهر من چندان هم در جزئیات رفتار من دخالت نمی‌کند.  |
|       |       |     | ۰/۷۶۶ | به طور کلی شوهرم کمتر به نظرات من در زندگی توجه دارد.   |
|       |       |     | ۰/۷۴۰ | شوهرم کمتر اجازه می‌دهد به تنهایی تصمیم بگیرم.  |
|       |       |     | -/۶۵۸ | فکر می‌کنم اگر نظری در مورد چیزی به طور کلی در خانواده بدهم، شوهرم می‌پذیرد.  |
|       |       |     | -/۴۶۸ | در بیشتر اموری که در منزل قرار است انجام دهم باید از شوهرم اجازه بگیرم.   |
|       |       |     | -/۳۴۴ | اگر قرار باشد جایی بروم (دعوت و ...) حتما باید از شوهرم اجازه بگیرم.  |
|       |       |     | -/۶۵۹ | اگر شوهرم قصد انجام کاری را داشته باشد در اکثر مواقع با من مشورت می‌کند.  |
|       |       |     | -/۶۳۲ | در گرفتن تصمیمات زندگی مشترک مان، نظرات من برای شوهرم بسیار مهم است.  |
|       |       |     | ۰/۷۴۳ | درست است که شوهرم در گرفتن تصمیمات به حرفهای من گوش می‌دهد اما در آخر، این خودش است که به تنهایی تصمیم می‌گیرد چه کار باید انجام شود. |
|       |       |     | ۰/۶۷۳ | روی هم رفته، در خانواده حرف آخر را شوهرم می‌زند.  |
| ۰/۸۳۰ | ۳۷/۴۲ | ۴/۷ | ۰/۲۱۰ | عوض کردن منزل   |
|       |       |     | ۰/۱۳۴ | چگونگی مصرف دخل و خرج روزانه  |
|       |       |     | ۰/۲۱۰ | خرید ماشین  |
|       |       |     | ۰/۳۹۲ | تهیه ی فرش، یخچال و تلویزیون  |
|       |       |     | ۰/۳۲۵ | رفتن به دیدن اقوام  |
|       |       |     | ۰/۵۵۳ | مهمانی گرفتن در منزل  |
|       |       |     | ۰/۴۷۰ | تهیه ی خوراک (پخت و پز)   |
|       |       |     | /۵۵۱  | انتخاب اسم برای فرزندان   |
|       |       |     | ۰/۶۸۴ | دیر آمدن فرزند و بازخواست کردن  |
|       |       |     | ۰/۵۶۵ | تنبیه فرزند در صورت لزوم  |
|       |       |     | ۰/۷۰۹ | استفاده از تلویزیون و برنامه‌ها   |
|       |       |     | ۰/۶۷۳ | ازدواج فرزند با فرد موردنظر   |
|       |       |     | ۰/۷۱۲ | تصمیم گیری در مورد تعداد فرزند  |
|       |       |     | ۰/۶۸۱ | تعیین فاصله ی سن بین فرزندان  |

|                      |          |           |       |  |
|----------------------|----------|-----------|-------|--|
| ۰/۷۵۰                | ۷/۲۰۵    | ۲/۰۶      | ۰/۲۶۷ | زمانی که همسر من می‌خواهد کاری برایش انجام دهم، معمولاً دلیل قانع کننده می‌آورد.         |
|                      |          |           | ۰/۷۱۲ | نسبت به تصمیماتی که می‌گیرد چندان انتقادپذیر نیست.                                       |
|                      |          |           | ۰/۶۳۵ | در خانواده ما رسم بر این است که زن از شوهرش حرف شنویی کامل داشته باشد.                   |
|                      |          |           | ۰/۷۴۹ | در تصمیماتی که می‌گیرد از من انتظار دارد فقط به حرفش گوش دهم و کاری به کارش نداشته باشم. |
|                      |          |           | ۰/۶۰۰ | همیشه در انجام خواسته‌هایش پافشاری و سخت‌گیری از خود نشان می‌دهد.                        |
|                      |          |           | ۰/۱۱۰ | اگر اشتباهی از آدم سر بزند معمولاً آدم را سرزنش و به او توهین نمی‌کند.                   |
|                      |          |           | ۰/۶۶۶ | اگر اشتباهی که کرده ثابت شود کمتر زیر بارش می‌رود.                                       |
|                      |          |           | ۰/۷۳۵ | معمولاً برای اینکه کاری انجام گیرد بیش از اندازه دلیل تراشی می‌کند.                      |
|                      |          |           | ۰/۷۷۱ | آدمی است که نمی‌خواهد حرف روی حرفش باشد.   |
|                      |          |           | ۰/۵۴۴ | در زندگی مشترکمان خیلی کم اتفاق افتاده که با عصبانیت از من کاری را بخواهد.               |
|                      |          |           | ۰/۸۶۹ | آزمون <i>KMO</i> جهت متناسب بودن اندازه نمونه  |
| Chi- square=۶۱۵۱/۸۹۴ | DF=۰/۶۳۰ | Sig=۰/۰۰۰ |       | آزمون <i>Bartlett</i> جهت درست بودن تفکیک عامل‌ها  |
|                      |          |           | ۰/۷۶۰ | ضریب آلفا کرانباخ کل مقیاس ساختار قدرت   |
|                      |          |           | ۴۴/۶۳ | جمع کل واریانس تبیین شده ساختار قدرت توسط سه عامل  |

سازگاری زناشویی متغیر وابسته تحقیق است. گریف<sup>۱</sup> در تعریف سازگاری زناشویی بیان می‌کند که زوج‌های سازگار، آن‌هایی هستند که در همه جنبه‌ها توافق دارند. آن‌ها از سطح و نوع رابطه رضایت دارند؛ از نوع اوقات فراغت و کیفیت آن راضی هستند و مدیریت خوبی بر زمان و وضعیت اقتصادی خود دارند (جعفری و همکاران، ۲۰۱۲). یو<sup>۲</sup> (۲۰۰۶؛ به نقل از ارتس، آنین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸) بیان می‌کند که سازگاری زناشویی به تلاش‌های هماهنگ و متمرکز شده ای ( بر مبنای سازگاری روانی، جسمانی، معنوی، هیجانی، اجتماعی و رفتار) اشاره دارد که زوجها انجام می‌دهند تا به خانواده یگانه و هماهنگی دست یابند و یا آرامش ازدواج را حفظ کنند. سازگاری زناشویی عبارت است از این که یک زوج (زن و مرد) حداقل چند سال با یکدیگر زندگی کرده و در

۱ Grief

۲ Uwe

۳ Ortese, Anyiin

این مدت در ارتباط با موضوعات هیجانی نسبتاً توافق وجود داشته باشد (ابوالباقی و همکاران، ۱۳۷۷؛ به نقل از شادبخش، ۱۳۹۳).

سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند، که این روابط رضایت بخش بین زوجین، از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر، پذیرش و تفاهم یکدیگر قابل اندازه‌گیری می‌باشد. در واقع سازگاری زناشویی یک ارزیابی کلی از وضع فعلی ارتباط را ارائه می‌دهد. برای سنجش سازگاری زناشویی از ۲۸ گویه در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری استفاده شده است. که دامنه نمرات می‌تواند از (۲۸) مینی‌مم و (۱۸۰) ماکزیمم باشد. در این پژوهش سازگاری زناشویی در قالب سه بعد توافق زوجین (۱۲ گویه)، رضایت زوجین (۸ گویه) و ابراز عشق و محبت (۴ گویه) مورد سنجش قرار گرفته است. دامنه نمرات توافق زوجین می‌تواند از ۱۲ (مینی‌مم) و ۶۰ (ماکزیمم) باشد. دامنه نمرات رضایت زوجین می‌تواند از ۸ (مینی‌مم) و ۴۰ (ماکزیمم) باشد. و اما دامنه نمرات ابراز عشق و محبت از ۴ (مینی‌مم) تا ۲۰ (ماکزیمم) می‌باشد.

در این بررسی، متغیرهای مستقل در دو دسته متغیر ساختار قدرت (ساخت روابط قدرت، حوزه‌ها و قلمرو قدرت، شیوه‌های اعمال قدرت) و متغیرهای جمعیتی (سن، فاصله سنی، تعداد سال‌های تحصیل، وضعیت اشتغال، میزان درآمد، قومیت، تعداد فرزند، مالکیت منزل و طبقه اجتماعی) می‌باشد. در خصوص قدرت<sup>۱</sup> تعاریف و نظریات گوناگونی وجود دارد. اما به طور کلی می‌توان آن را کنترل بر اعمال و رفتار دیگران علیرغم میل شان دانست (هورتن<sup>۲</sup>، ۱۹۷۲؛ برون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴). برخی از اندیشمندان مانند ابوت<sup>۴</sup>، ایسوان<sup>۵</sup> و السون جنبه تصمیم‌گیری در خانواده را به عنوان ملاک قدرت در خانواده دانسته‌اند. (ابوت، ۱۹۹۳، ایسوان، ۱۹۹۱، السون، ۱۹۶۹). و بعضی دیگر نیز نحوه اعمال قدرت را به عنوان ملاک اصلی در نظر گرفته‌اند (ویگینز<sup>۶</sup>، ۱۹۶۶)، بلاد<sup>۷</sup> (۱۹۶۹)، تاور مینا<sup>۸</sup> (۱۹۷۸)، سلزنیک<sup>۹</sup> (۱۹۶۰) نیز در بررسی ساخت قدرت در خانواده به میزان مشارکت زن و شوهر و جنبه تقارن قدرت توجه خاصی نشان داده‌اند و معتقدند بهترین تصمیم‌گیری‌ها باید دو جانبه و متقارن بودن را مد نظر داشته‌اند (مهدوی و خسرو شاهی، ۱۳۸۲: ۳۲). نظریه پردازان قدرت را در سه بعد مورد مطالعه قرار می‌دهند: ۱- ساخت قدرت ۲- شیوه اعمال قدرت ۳- حوزه و قلمروی اعمال قدرت.

۱ power

۲Hoton

۳ Browne

۴ Abbot

۵ Isvan

۶ Wiggins

۷ blood

۸ Tovormina

۹ Selznik

ساخت قدرت : منظور الگوهای روابط حاکم بر خانواده است که به دو بعد بخش متقارن و نامتقارن تقسیم می‌شود. در متقارن تشریک مساعی بین زن و شوهر در تصمیم‌گیری وجود دارد؛ ولی در نامتقارن وجوه سلطه یا حاکمیت زن و شوهر مورد توجه قرار دارد (مهدوی، صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲). بسیاری از پژوهشگران خانواده بیان می‌کنند که ازدواج‌های متقارن بانوعی از عواطف، همدلی و صمیمیت باعث کیفیت خوب و ثبات ازدواج می‌شود.

۱- قدرت خانوادگی، مفهومی چند بعدی است است که غیر مستقیم از طریق فعالیت‌های رفتاری اندازه‌گیری می‌شود و میزانی از قدرت شخص است که در ساختارهای خانوادگی و زوجی آشکار می‌شود. میزان جدال برای قدرت بین دو نفر از طریق راه‌حلی‌هایی مشخص می‌شود که زوج به صورت متقابل و مشترک و یا به صورت منفرد به وجود می‌آورد (اسری، کالرسون، ۲۰۰۵؛ به نقل از لانگف یانگ، ۲۰۰۷، ترجمه نظری و همکاران: ۱۳۹۲، ۳۰). شیوه اعمال قدرت: به راهبرد برخوردار زن و شوهر در تصمیم‌گیری‌ها اشاره دارد که شامل این موارد است: راهبرد زور و اجبار، راهبرد منابع پاداش، راهبرد منابع اطلاعاتی. چگونگی و شیوه تصمیم‌گیری در خانواده را می‌توان در مورد وجوه ترغیب، تحریک، اجبار و فعال کردن تعهد افراد دید. این وجوه را می‌توان ضمانت اجرای هر عمل یا تصمیم به شمار آورد. تصمیم‌گیری در خانواده می‌تواند هر یک از این شکل‌ها را به خود بگیرد و بر این اساس ساختار خانواده به اقتدارگرایانه و دموکراتیک تقسیم شود (کاوسی، ۱۳۹۲). استفاده از قدرت کیفیت روابط عاشقانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. استفاده از شیوه‌های سخت قدرت مانند حالت ارباب - برده در روابط باعث نارضایتی زناشویی می‌شود که جهت‌گیری‌های عمدی و شدید به سمت زوج را انعکاس می‌دهد. در مقابل، شیوه‌های آسان قدرت نارضایتی زناشویی کمتری را موجب می‌شود؛ زیرا این شیوه‌ها بیشتر متفکرانه، مراقبتی، کمتر رهنمودی است و اجازه می‌دهد که در تعیین هدف‌ها مشارکت بیشتری کنند (اسوارد، کولووسکی، نیر، ۲۰۰۸). حوزه قلمرو قدرت زن و شوهر این مفهوم را می‌رساند که حوزه‌های نفوذ زن و شوهر از هم جداست که در ارتباط با جنسیت است (مهدور، صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲). زن و شوهر با ده‌ها تصمیم‌گیری کوچک و بزرگ روبه‌رو هستند. در خانواده حوزه‌های تصمیم‌گیری می‌تواند متفاوت باشد (ایسوان، ۱۹۹۹، به نقل از سعیدیان، ۱۳۸۲) نیز معتقد است قلمرو و حوزه‌های نفوذ زن و شوهر جداگانه است و اگر این حوزه‌های اعمال قدرت به درستی تعیین نشود، موجب ضعف تحلیل در قدرت خانواده می‌شود. او برای مشاهده قدرت در خانواده به ابعاد و حوزه‌های ذیل توجه می‌کند:

۱- قدرت تصمیم‌گیری در تعیین فرزندان ۲- قدرت تصمیم‌گیری در امور اقتصادی ۳- استقلال در

خانواده

برای سنجش ساختار قدرت از ۳۶ گویه در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری استفاده شده است. که دامنه نمرات می‌تواند از (۳۶) مینیمم، (۱۰۸) حد متوسط و (۱۸۰) ماکزیمم باشد. در این پژوهش ساختار قدرت در

قالب سه بعد ساخت روابط قدرت (۱۲ گویه)، حوزه‌ها و قلمرو قدرت (امور اقتصادی (۴ گویه)، روابط اجتماعی (۸ گویه) و تعیین مولید (۲ گویه) و شیوه‌های اعمال قدر در قالب (۱۰ گویه) مورد سنجش قرار گرفته است. ساخت روابط قدرت دامنه نمرات می‌تواند از ۱۲ (مینیمم) و ۶۰ (ماکزیمم) باشد. دامنه نمرات حوزه‌ها و قلمرو قدرت می‌تواند از ۱۴ (مینیمم) و ۷۰ (ماکزیمم) باشد. و اما دامنه نمرات شیوه‌های اعمال قدرت از ۱۰ (مینیمم) تا ۵۰ (ماکزیمم) می‌باشد.

## تعریف عملیاتی و مفهومی متغیرها

جدول ۵: تعریف عملیاتی و مفهومی متغیرهای وابسته و مستقل

| متغیر           | نقش    | تعریف   | تعریف عملیاتی  | طبقات سنجش   |
|-----------------|--------|---|--|--|
| سازگاری زناشویی | وابسته | سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. | اداره امور مالی و اقتصادی خانواده، امور تفریحی و اوقات فراغت، رفت و آمد با دوستان و آشنایان، روابط جنسی، ورزش کردن و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، تصمیمات تحصیلی و شغلی، شیوه رفتار با والدین خود و همسر، شما و همسران چند وقت یکبار درباره‌ی طلاق، جدایی یا پایان دادن به رابطه‌تان با هم بحث کرده یا در این مورد فکر می‌کنید؟ شما و همسران چند وقت یکبار دعوا می‌کنید؟ آیا به همسران اعتماد دارید؟ با هم خندیدن، بوسیدن همسر، با آرامش درباره چیزی بحث کردن و ..... | برای سنجش سازگاری زناشویی از ۲۸ گویه (بعد توافق دو نفری، رضایت دو نفری، ابراز عشق و محبت) در قالب طیف لیکرت دامنه نمرات از ۲۸ تا ۱۴۰ |

| ساختار قدرت در خانواده  | مستقل | منظور از ساخت قدرت الگوهای روابط حاکم بر خانواده است که به دو بعد بخش متقارن و نامتقارن تقسیم می‌شود | معمولا شوهرم در تصمیماتی که در خانه گرفته می‌شود نظر مرا نمی‌خواهد، شوهر من چندان هم در جزئیات رفتار من دخالت نمی‌کند، شوهرم کمتر اجازه می‌دهد به تنهایی تصمیم بگیرم، اگر قرار باشد جایی بروم (دعوت و ...) حتما باید از شوهرم اجازه بگیرم، اگر شوهرم قصد انجام کاری را داشته باشد در اکثر مواقع با من مشورت می‌کند، روی هم رفته ، در خانواده حرف آخر را شوهرم می‌زند، عوض کردن منزل، چگونگی مصرف دخل و خرج روزانه، خرید ماشین، تهیه ی فرش ، یخچال و تلویزیون، رفتن به دیدن اقوام، ازدواج فرزند با فرد موردنظر، تصمیم گیری در مورد تعداد فرزند، تعیین فاصله ی سن بین فرزندان، زمانی که همسر من می‌خواهد کاری برایش انجام دهم ،معمولا دلیل قانع کننده می‌آورد، نسبت به تصمیماتی که می‌گیرد چندان انتقادپذیر نیست، در خانواده ما رسم بر این است که زن از شوهرش حرف شنویی کامل داشته باشد در تصمیماتی که می‌گیرد از من انتظار دارد فقط به حرف اش گوش دهم و کاری به کارش نداشته باشم، معمولا برای اینکه کاری انجام گیرد بیش از اندازه دلیل تراشی می‌کند. آدمی است که نمی‌خواهد حرف روی حرفش باشد در زندگی مشترکمان خیلی کم اتفاق افتاده که با عصبانیت از من کاری را بخواهد |
|---|-------|--|---|
| برای سنجش سازگاری زناشویی از ۲۸ گویه ( بعد توافق دو نفری، رضایت دو نفری، ابراز عشق و محبت) در قالب طیف لیکرت دامنه نمرات از ۲۸ تا ۱۴۰ |       |  |   |

## یافته‌های توصیفی

جدول ۶: میانگین و انحراف معیار متغیرها

| متغیرها                       | تعداد پاسخگو | میانگین | انحراف معیار |
|-------------------------------|--------------|---------|--------------|
| سازگاری زناشویی (مجموع ابعاد) | ۳۵۱          | ۸۴/۶۹   | ۱۳/۲۵        |
| توافق دو نفری                 | ۳۵۱          | ۴۶/۲۴   | ۱۰/۷۴        |
| رضایت دو نفری                 | ۳۵۱          | ۱۸/۵۱   | ۴/۳۶         |
| ابراز عشق و محبت              | ۳۵۱          | ۱۲/۶۲   | ۳/۳۲         |
| ساختار قدرت (مجموع ابعاد)     | ۳۵۱          | ۱۰۴/۰۱  | ۱۲/۰۱        |
| روابط قدرت                    | ۳۵۱          | ۳۴/۸۷   | ۴/۷۸         |
| شیوه‌های اعمال قدرت           | ۳۵۱          | ۲۷/۹۳   | ۶/۷۳         |
| حوزه‌ها و قلمرو قدرت          | ۳۵۱          | ۴۱/۲۰   | ۵/۷۸         |
| سن                            | ۳۵۱          | ۴۱/۴۹   | ۱۲/۲۲        |



|             |                    |     |              |
|-------------|--------------------|-----|--------------|
| ۱/۵۹        | ۲/۰۱               | ۳۵۱ | تعداد فرزند  |
| ۲۰۰۸۱۸۰۸/۲۲ | ۱/۸۰۰ (هزار تومان) | ۳۵۱ | درآمد        |
| ۱۳/۶۴       | ۱۶/۹۴              | ۳۵۱ | مدت ازدواج   |
| -           | -                  | ۳۵۱ | شغل          |
| -           | -                  | ۳۵۱ | طبقه اجتماعی |
| -           | -                  | ۳۵۱ | مالکیت منزل  |
| -           | -                  | ۳۵۱ | قومیت        |
| -           | -                  | ۳۵۱ | تحصیلات      |

براساس نتایج توصیفی متغیرهای جمعیتی، از مجموع ۳۵۱ نفر پاسخگو، میانگین سن پاسخگویان ۴۱/۴۹ سال، میانگین تعداد فرزند (۲/۰۱)، میانگین درآمد زنان یک میلیون و هشتصد هزار تومان، مردان هشت میلیون و پانصد هزار تومان می‌باشد. در زمینه تحصیلات زنان ۱۲۱ نفر (۳۴/۳ درصد)، دیپلم، ۹۶ نفر (۲۷/۲ درصد) سیکل و لیسانس، ۲۶ نفر (۷/۴ درصد) فوق دیپلم، ۱۰ نفر (۲/۸ درصد) دکتری و ۲ نفر (۰/۶ درصد) دارای تحصیلات فوق لیسانس بوده‌اند. میانگین تحصیلات زنان ۱۲/۴۶ (دیپلم به بالا) می‌باشد. اما تحصیلات مردان ۱۳۱ نفر (۳۷/۱ درصد)، دیپلم، ۱۲۷ نفر (۳۶ درصد) سیکل، ۶۳ نفر (۱۷/۸ درصد) لیسانس، ۱۶ نفر (۴/۵ درصد) فوق دیپلم ۱۲ نفر (۳/۴ درصد) دکتری و ۲ نفر (۰/۶ درصد) دارای تحصیلات فوق لیسانس می‌باشند. میانگین تحصیلات مردان ۱۱/۷۳ (زیر دیپلم) می‌باشد. میانگین مدت ازدواج (۱۶/۹۴)، و بیشترین مدت ازدواج ۵۹ سال می‌باشد. ۲۶۳ نفر از زنان (۷۴/۵ درصد)، خانه‌دار، ۳۴ نفر (۹/۶ درصد) کارمند بخش خصوصی می‌باشند. ۳۱ نفر (۸/۸ درصد) کارمند بخش دولتی و ۲۳ نفر (۶/۵ درصد) دانشجو می‌باشند. از بین ۳۵۱ نفر پاسخگوی مرد، ۲۷۳ نفر (۷۷/۳ درصد) شغل آزاد، ۵۹ نفر (۱۶/۷ درصد) کارمند بخش دولتی و ۱۹ نفر (۵/۴ درصد) کارمند بخش خصوصی می‌باشند. بیشتر افراد پاسخگو، یعنی ۲۶۱ نفر (۷۳/۹ درصد)، خود را عضو طبقه متوسط، ۵۱ نفر (۱۴/۴ درصد) خود را عضو طبقه پایین و ۳۹ نفر (۱۱ درصد) خود را عضو طبقه بالا می‌دانند. از بین ۳۵۱ نفر از پاسخگویان زن و مرد، ۲۸۸ نفر (۸۱/۶ درصد) از مردها، ۴۰ نفر (۱۱/۳ درصد) از زن‌ها، و ۲۳ نفر (۶/۵ درصد) از زن‌ها و مردها مشترکاً مالک منزل می‌باشند. ۶۷/۸ درصد از پاسخگویان فارس زبان، ۱۶/۳ درصد ترک زبان، ۱۴/۵ درصد عرب زبان، ۱/۳ درصد لر زبان و ۰/۳ درصد کرد زبان می‌باشند. اما براساس نتایج توصیفی سازه‌های تحقیق، میانگین سازگاری زناشویی (کل) ۸۴/۶۹، توافق دو نفری ۴۶/۲۴، رضایت دو نفری ۱۸/۵۱، ابراز عشق و محبت ۱۲/۶۲، ساختار قدرت (کل) ۱۰۴/۰۱، روابط قدرت ۳۴/۸۷، شیوه‌های اعمال قدرت ۲۷/۹۳، حوزه‌ها و قلمرو قدرت ۴۱/۲۰ می‌باشند.

جدول ۷: فراوانی و درصد متغیرها

| مولفه‌ها                            | کم  | متوسط | زیاد | میانگین | انحراف معیار |
|-------------------------------------|-----|-------|------|---------|--------------|
| سازگاری زوجین<br>(بعد توافق دونفری) | ۱۱  | ۱۷    | ۲۳   | ۴۶,۲۴   | ۷۴,۱۰        |
| فراوانی                             | ۳,۱ | ۴,۸   | ۶,۵  |         |              |
| درصد                                |     |       |      |         |              |

| مولفه‌ها                                      | کم  | متوسط | زیاد | میانگین | انحراف معیار |
|---|-----|-------|------|---------|--------------|
| سازگاری زوجین<br>(بعد رضایت دونفری)           | ۱۳  | ۹۹    | ۲۶۲  | ۱۸,۵۱   | ۴/۳۶         |
|   | ۳,۷ | ۲۸    | ۷۴,۲ |         |              |
| سازگاری زوجین<br>(بعد ابراز عشق و محبت)       | ۸   | ۳۴    | ۳۳   | ۶۲,۱۲   | ۳۲,۳         |
|   | ۲,۳ | ۸,۶   | ۳,۹  |         |              |
| ساختار قدرت در خانواده (ساخت روابط قدرت)      | ۹   | ۵۹    | ۱۲۴  | ۳۴,۸۷   | ۴,۷۸         |
|   | ۲,۵ | ۱۶,۷  | ۳۵,۱ |         |              |
| ساختار قدرت در خانواده (حوزه‌ها و قلمرو قدرت) | ۱۲  | ۳۳    | ۶۴   | ۴۱,۲۰   | ۵,۷۸         |
|   | ۳,۴ | ۹,۳   | ۱۸,۱ |         |              |
| ساختار قدرت در خانواده (شیوه‌های اعمال قدرت)  | ۳۰  | ۶۲    | ۸۴   | ۲۷,۹۳   | ۶,۷۳         |
|   | ۸,۵ | ۱۷,۶  | ۲۳,۶ |         |              |

بر اساس داده‌های جدول سازگاری زوجین (توافق دونفری)، بالاترین فراوانی (۲۳) و درصد (۶,۵) مربوط به گویه اداره امور مالی و اقتصادی خانواده، با پاسخ همیشه اختلاف داریم و کمترین فراوانی (۱۱) و درصد (۳,۱) مربوط به گویه در مسائل و موضوعات مذهبی با پاسخ همیشه اختلاف داریم می‌باشد. در جدول سازگاری زوجین (رضایت دونفری)، بالاترین فراوانی (۲۶۲) و درصد (۷۴,۲) مربوط به گویه شما و همسرتان چند وقت یکبار پس از دعوا خانه را ترک می‌کنید؟ با پاسخ اصلا و کمترین فراوانی (۱۳) و درصد (۳,۷) مربوط به گویه آیا به همسرتان اعتماد دارید؟ با پاسخ اصلا می‌باشد. همچنین در جدول سازگاری زوجین (ابراز عشق و محبت)، بالاترین فراوانی (۳۳) و درصد (۳,۹) مربوط به گویه شما و همسرتان چند وقت یکبار پس از دعوا خانه را ترک می‌کنید؟ با پاسخ اصلا و کمترین فراوانی (۸) و درصد (۲,۳) مربوط به گویه با هم خندیدن با پاسخ اصلا می‌باشد. در جدول ساختار قدرت در خانواده (ساخت روابط قدرت) بالاترین فراوانی (۱۲۴) و درصد (۳۵,۱) مربوط به گویه معمولاً شوهرم در تصمیماتی که در خانه گرفته می‌شود نظر مرا نمی‌خواهد با پاسخ کاملاً مخالفم و کمترین فراوانی (۹) و درصد (۲,۵) مربوط به گویه اگر شوهرم قصد انجام کاری را داشته باشد در اکثر مواقع با من مشورت می‌کند، با پاسخ کاملاً مخالفم می‌باشد. در جدول ساختار قدرت در خانواده (حوزه‌ها و قلمرو قدرت)

بالاترین فراوانی (۶۴) و درصد (۱۸,۱) مربوط به گویه تهیه ی خوراک (پخت و پز) با پاسخ منحصر خودم و کمترین فراوانی (۱۲) و درصد (۳,۴) مربوط به گویه های خرید ماشین و عوض کردن منزل با پاسخ منحصر خودم می باشد. و در پایان در بعد (شیوه های اعمال قدرت)، بالاترین فراوانی (۸۴) و درصد (۲۳,۶) مربوط به گویه در تصمیماتی که می گیرد از من انتظار دارد فقط به حرف اش گوش دهم و کاری به کارش نداشته باشم با پاسخ کاملا مخالفم و کمترین فراوانی (۳۰) و درصد (۸,۵) مربوط به گویه در زندگی مشترکمان خیلی کم اتفاق افتاده که با عصبانیت از من کاری را بخواهد با پاسخ کاملا مخالفم، می باشد.

### یافته های تحلیلی

#### فرضیه اصلی: رابطه بین ساختار قدرت (کل) در خانواده و سازگاری زناشویی (کل)

سازگاری زناشویی با ساخت قدرت نیز قابل پیش بینی است و نشان می دهد که هرچه ساختار قدرت بیشتر به تصمیم گیری مشارکتی متمایل باشد، سازگاری زوجین بیشتر است. جهت بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و سازگاری زوجین از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است که نتایج آن به شرح جدول زیر است.

#### جدول ۸: بررسی ارتباط بین ساختار قدرت (کل) در خانواده و سازگاری زوجین (کل)

| میانگین | انحراف معیار | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | f مقدار | Sig   | t مقدار | Sig   |
|---------|--------------|--------------|------------|---------|-------|---------|-------|
| ۸۴/۶۹   | ۱۲/۲۵        | ۰/۱۸۸        | ۰/۰۳۵      | ۱۲/۹۷۱  | ۰/۰۰۰ | ۱۷/۴۹۹  | ۰/۰۰۰ |
| ۱۰۴/۰۱  | ۱۲/۰۱        |              |            |         |       |         |       |

نتایج جدول ۸، نشان می دهد ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۱۸۸ است ضریب تعیین برابر با ۰/۰۳۵ است که نشان می دهد ساختار قدرت می تواند تغییرات سازگاری زوجین را پیش بینی نماید. مقدار f محاسبه شده نشان می دهد، رگرسیون معنی دار است و مقدار t بیانگر آن است که ضریب رگرسیون معنی دار می باشد به عبارت دیگر به ازاء یک واحد تغییر در انحراف معیار ساختار قدرت پاسخگویی به اندازه ۰/۰۳۵ در انحراف معیار سازگاری زوجین تغییر ایجاد می کند. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که با اطمینان ۹۹ درصد بین دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد (کلاتری، ۱۳۸۷).

#### جدول ۹: بین ساخت روابط قدرت و توافق دو نفری رابطه معناداری وجود دارد

| میانگین | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | f      | Sig   | t مقدار | Sig   |
|---------|--------------|------------|--------|-------|---------|-------|
| ۳۴/۸۷   | ۰/۲۵۴        | ۰/۰۶۵      | ۲۴/۱۵۶ | ۰/۰۰۰ | ۱۵/۱۹۲  | ۰/۰۰۰ |
| ۴۲/۲۴   |              |            |        |       |         |       |
| ۴۱/۲۰   | ۰/۰۴۸        | ۰/۰۰۲      | ۰/۸۱۹  | ۰/۳۶۶ | ۹/۳۲۸   | ۰/۳۶۶ |
| ۴۲/۲۴   |              |            |        |       |         |       |

|                     |       |       |       |        |       |        |       |
|---------------------|-------|-------|-------|--------|-------|--------|-------|
| شیوه‌های اعمال قدرت | ۲۷/۹۳ | ۰/۴۰۲ | ۰/۱۶۲ | ۶۷/۳۹۲ | ۰/۰۰۰ | ۲۶/۷۷۱ | ۰/۰۰۰ |
| توافق دو نفری       | ۴۲/۲۴ |       |       |        |       |        |       |

## جدول ۹: ارتباط بین ساخت روابط قدرت و توافق دو نفری رابطه معناداری وجود دارد

| متغیر مستقل                     | متغیر وابسته  | شدت رابطه   | سطح معناداری | نوع آزمون همبستگی | نتیجه آزمون | نوع رابطه  |
|---------------------------------|---------------|-------------|--------------|-------------------|-------------|------------|
| ابعاد یا مولفه‌های متغیر مستقل  | توافق دو نفری | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۰        | ۰/۲۵۴             | تأیید       | معنادار    |
|                                 |               | ضعیف و مثبت | ۰/۳۶۶        | ۰/۰۴۸             | رد          | بدون رابطه |
|                                 |               | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۰        | ۰/۴۰۲             | تأیید       | معنادار    |
| ابعاد یا مولفه‌های متغیر وابسته | توافق دو نفری |             |              |                   |             |            |

بر اساس نتایج جدول (۹)، رابطه بین ساخت روابط قدرت و شیوه‌های اعمال قدرت با توافق دو نفری معنادار است. اما رابطه حوزه‌ها و قلمرو قدرت با توافق دو نفری معنادار نیست. جدول ۶، نشان می‌دهد که ساخت روابط قدرت بر توافق زوجین تأثیر دارد. ساخت قدرت میزان تقارن و عدم تقارن روابط قدرت را در خانواده نشان می‌دهد. که در نوع متقارن در تصمیم‌گیری‌ها تشریک مساعی بین زن و شوهر وجود دارد و در نامتقارن قدرت در دست یکی از زوجهاست. پژوهشگران خانواده بیان می‌کنند که ازدواج‌های با ساختار قدرت متقارن با نوعی از عواطف، همدلی و صمیمیت باعث کیفیت خوب و ثبات ازدواج می‌شود شیوه‌های اعمال قدرت بر توافق دو نفری زوجین تأثیر دارد. بنابراین نتایج نشان می‌دهد که هرچه استفاده از شیوه‌های مجاب‌سازی بیشتر باشد، سازگاری زناشویی نیز بیشتر است.

## جدول ۱۰: بین ساخت روابط قدرت و رضایت دو نفری رابطه معناداری وجود دارد

| میانگین | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | f      | Sig   | مقدار t | Sig   |
|---------|--------------|------------|--------|-------|---------|-------|
| ۳۴/۸۷   | ۰/۳۰۹        | ۰/۰۹۶      | ۳۶/۸۴۹ | ۰/۰۰۰ | ۵/۳۱۶   | ۰/۰۰۰ |
| ۱۸/۵۱   |              |            |        |       |         |       |
| ۴۱/۲۰   | ۰/۰۲۱        | ۰/۰۰۰      | ۰/۱۵۳  | ۰/۶۹۵ | ۱۱/۴۱۴  | ۰/۶۹۵ |
| ۱۸/۵۱   |              |            |        |       |         |       |
| ۲۷/۹۳   | ۰/۴۳۳        | ۰/۱۸۷      | ۸۰/۳۹۴ | ۰/۰۰۰ | ۱۱/۸۸۷  | ۰/۰۰۰ |

جدول ۱۰: بین ساخت روابط قدرت و رضایت دو نفری رابطه معناداری وجود دارد.

| متغیر مستقل                     | متغیر وابسته    | شدت رابطه   | سطح معناداری | نوع آزمون همبستگی | نتیجه آزمون | نوع رابطه  |
|---------------------------------|-----------------|-------------|--------------|-------------------|-------------|------------|
| ابعاد یا مولفه‌های متغیر مستقل  | ساخت روابط قدرت | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۰        | ۰/۳۰۹             | تأیید       | معنادار    |
|                                 |                 | ضعیف و مثبت | ۰/۶۹۵        | ۰/۰۲۱             | رد          | بدون رابطه |
|                                 |                 | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۰        | ۰/۴۳۳             | تأیید       | معنادار    |
| ابعاد یا مولفه‌های متغیر وابسته | رضایت دو نفری   | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۰        | ۰/۳۰۹             | تأیید       | معنادار    |
|                                 |                 | ضعیف و مثبت | ۰/۶۹۵        | ۰/۰۲۱             | رد          | بدون رابطه |
|                                 |                 | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۰        | ۰/۴۳۳             | تأیید       | معنادار    |

بر اساس نتایج جدول (۱۰)، رابطه بین ساخت روابط قدرت و شیوه‌های اعمال قدرت با رضایت دو نفری معنادار است. اما رابطه حوزه‌ها و قلمرو قدرت با رضایت دو نفری معنادار نیست. اگر زن و شوهر در تصمیماتی که در امور اقتصادی، روابط اجتماعی و تعیین موالید گرفته می‌شود مشورت و همکاری نداشته باشند و مردان به تنهایی تصمیم گیرنده باشند رضایت دو نفری حاصل نمی‌شود شیوه اعمال قدرت موجب سازی و یا اشتراک نظر در تصمیم گیری‌ها می‌تواند باعث رضایت هر چه بیشتر زوجین گردد.

جدول ۱۱: بین ساخت روابط قدرت و ابراز عشق و محبت رابطه معناداری وجود دارد.

| میانگین | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | f      | Sig   | مقدار t | Sig   |
|---------|--------------|------------|--------|-------|---------|-------|
| ۷۳/۴۳   | ۰/۳۴۰        | ۰/۰۵۷      | ۲۴/۲۲۸ | ۰/۰۰۰ | ۴/۹۲۲   | ۰/۰۰۰ |
| ۸۹/۵۸   | ۰/۱۳۲        | ۰/۰۱۸      | ۷/۰۹۴  | ۰/۰۰۸ | ۲/۶۶۳   | ۰/۰۰۸ |
| ۳۵/۳۰   | ۰/۳۳۴        | ۰/۱۱۱      | ۴۹/۸۲۴ | ۰/۰۰۰ | ۷/۰۵۹   | ۰/۰۰۰ |

جدول (۱۱) بین ساخت روابط قدرت و ابراز عشق و محبت رابطه معناداری وجود دارد.

| متغیر مستقل                    | متغیر وابسته                    | شدت رابطه        | سطح معناداری | نوع آزمون همبستگی | نتیجه آزمون | نوع رابطه |
|--------------------------------|---------------------------------|------------------|--------------|-------------------|-------------|-----------|
| ابعاد یا مولفه‌های متغیر مستقل |                                 |                  |              |                   |             |           |
| ساخت روابط قدرت                | تصمیم‌گیری زوجه زن              | قوی و مثبت       | ۰/۰۰۰        | ۰/۲۴۰             | تأیید       | معنادار   |
| حوزه‌ها و قلمرو قدرت           |                                 | قوی و مثبت       | ۰/۰۰۸        | ۰/۱۳۲             | تأیید       | معنادار   |
| شیوه‌های اعمال قدرت            |                                 | قوی و مثبت       | ۰/۰۰۰        | ۰/۳۳۴             | تأیید       | معنادار   |
|                                | ابعاد یا مولفه‌های متغیر وابسته | ابراز عشق و محبت |              |                   |             |           |

بر اساس نتایج جدول (۱۱)، رابطه بین تمام ابعاد ساختار قدرت با ابراز عشق و محبت دو نفری معنادار است. رابطه متقارن (اشتراک زن و شوهر) در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند باعث ابراز عشق و محبت بیشتر بین آن‌ها شود و در نتیجه سازگاری زوجین بیشتر شود. بین حوزه‌ها و قلمرو قدرت و بعد ابراز عشق و محبت رابطه معناداری وجود دارد. مشورت و همکاری زوجین در امور اقتصادی، اجتماعی و روابط اجتماعی عشق و محبت را بین آن‌ها تشدید می‌کند. همچنین بین شیوه‌های اعمال قدرت و بعد ابراز عشق و محبت رابطه معناداری وجود دارد. مجاب‌سازی و یا اشتراک نظر در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند باعث عشق و محبت بیشتر بین زوجین و در نهایت سازگاری هر چه بیشتر آن‌ها گردد.

جدول (۱۲) نشان می‌دهد میزان سازگاری زناشویی با توجه به پایگاه اجتماعی (طبقه اجتماعی) خانواده متفاوت است. در این تحقیق شاخص‌های پایگاه اجتماعی نوع شغل، درآمد و تحصیلات بود. داده‌های آماری حاصل از جمع بندی رتبه‌های شغلی و تحصیلات و درآمد زوجین نشان داد که میزان سازگاری زناشویی بر اساس پایگاه اجتماعی خانواده متفاوت و این تفاوت معنی‌دار بوده است. در تبیین این یافته می‌توان از ترکیب نظریه نیازهای اساسی مازلو و نظریه مبادله آوین گولدنر سود جست؛ مازلو معتقد است که نیازهای انسان‌ها پایه‌های ارزش او را تشکیل می‌دهند، به این ترتیب مهم‌ترین منشاء ارزش‌ها نیازها هستند و هر آن چیزی که انسان به آن نیاز داشته باشد برای او با ارزش بوده و این فقط شامل نیازهای جسمی نمی‌شود، بلکه نیاز به احترام و نیاز به روابط اجتماعی و دیگر نیازها را نیز در بر می‌گیرد. لذا هر وسیله‌ای که به انسان کمک کند

تا بتواند توسط آن یک مرحله به ارضای نیازهایش نزدیک تر شود، آن وسیله نیز با ارزش تلقی می‌گردد. شغل، درآمد و تحصیلات هم ابزاری برای ارضاء نیاز به احترام ( منزلت اجتماعی یا طبقه اجتماعی) با ارزش می‌باشند (رفیع پور، ۱۳۸۲: ۲۷۰). پس پایگاه اجتماعی خانواده چون در برآوردن نیاز به احترام نقش حیاتی دارد ارزشمند تلقی می‌گردد. چنان که آلوین گولدرن نیز مطرح می‌کند " اگر بپذیریم که رضایت عاطفی، هدف ظاهری ازدواج جدید باشد و هدف عینی، اثر گذار است. هرچه شوهر در داخل سیستم اقتصادی موفق تر باشد، شبکه مبادلات حقوقی و تعهدات گروه خانوادگی، عمیق تر و وسیع تر خواهد بود. بنابراین با برآوردن این نیاز سبب ایجاد سازگاری می‌شود، که نتایج حاضر با یافته‌های قبلی همسو می‌باشد. همچنین شغل مردان و تحصیلات زنان و مردان رابطه معناداری با سازگاری زوجین دارند.

## جدول ۱۲: بررسی ارتباط بین شغل، طبقه اجتماعی، قومیت،

## مالکیت منزل و تحصیلات با سازگاری زناشویی

| Sig   | df    | مقدار f | میانگین سازگاری زناشویی | شغل زنان         |
|-------|-------|---------|-------------------------|------------------|
| ۰/۴۹۲ | ۴     | ۰/۸۵۴   | ۸۸/۲۹                   | کارمند بخش دولتی |
|       |       |         | ۸۵/۷۰                   | کارمند بخش خصوصی |
|       |       |         | ۸۴/۱۳                   | خانه دار         |
|       |       |         | ۸۸/۴۰                   | دانشجو           |
| ۰/۰۰۱ | ۳     | ۵/۷۵۳   | میانگین سازگاری زناشویی | شغل مردان        |
|       |       |         | ۹۰/۲۰                   | کارمند بخش دولتی |
|       |       |         | ۸۷/۶۸                   | کارمند بخش خصوصی |
|       |       |         | ۸۲/۹۸                   | آزاد             |
| ۰/۰۰۰ | ۲     | ۸/۲۷۵   | میانگین سازگاری زناشویی | طبقه اجتماعی     |
|       |       |         | ۷۷/۸۶                   | پایین            |
|       |       |         | ۸۵/۸۹                   | متوسط            |
|       |       |         | ۸۵/۶۴                   | بالا             |
| ۰/۲۱۶ | ۵     | ۱/۴۲۱   | میانگین سازگاری زناشویی | قومیت            |
|       |       |         | ۸۴/۹۴                   | فارس             |
|       |       |         | ۷۳                      | لر               |
|       |       |         | ۸۸/۱۴                   | ترک              |
|       |       |         | ۷۶/۸۰                   | عرب              |
|       |       |         | ۸۶                      | کرد              |
| ۰/۹۶۶ | ۲     | ۰/۰۳۴   | میانگین سازگاری زناشویی | مالکیت منزل      |
|       |       |         | ۸۵/۱۷                   | زن               |
|       |       |         | ۸۴/۶۱                   | مرد              |
| ۰/۰۰۱ | ۵     | ۲/۶۹    | میانگین سازگاری زناشویی | تحصیلات زنان     |
|       |       |         | ۸۱/۴۴                   | سیکل             |
|       |       |         | ۸۱/۱۶                   | دیپلم            |
|       |       |         | ۸۸/۵۰                   | فوق دیپلم        |
|       |       |         | ۸۷/۴۲                   | لیسانس           |
|       |       |         | ۹۴                      | فوق لیسانس       |
| ۰/۰۰۰ | ۵     | ۶/۷۸    | میانگین سازگاری زناشویی | تحصیلات مردان    |
|       |       |         | ۷۹/۷۰                   | سیکل             |
|       |       |         | ۸۶/۹۰                   | دیپلم            |
|       |       |         | ۹۰/۶۸                   | فوق دیپلم        |
|       |       |         | ۸۸/۱۷                   | لیسانس           |
|       |       |         | ۹۸                      | فوق لیسانس       |
| ۸۵/۰۸ | دکتری |         |                         |                  |





|       |        |       |        |       |       |                                |
|-------|--------|-------|--------|-------|-------|--------------------------------|
| ۰/۰۰۰ | ۸۰/۱۹۹ | ۰/۰۰۰ | ۲۲/۶۶  | ۰/۰۶۱ | ۰/۲۴۷ | سازگاری زناشویی<br>تعداد فرزند |
| ۰/۰۰۰ | ۸۰/۷۷  | ۰/۰۰۰ | ۲۱/۲۷۹ | ۰/۰۵۷ | ۰/۲۴۰ | سازگاری زناشویی<br>مدت ازدواج  |
| ۰/۱۱۹ | ۱۱۲/۳۱ | ۰/۱۱۹ | ۲/۴۴۶  | ۰/۰۰۷ | ۰/۰۸۳ | سازگاری زناشویی<br>درآمد زنان  |
| ۰/۷۰۳ | ۱۰۹/۹۶ | ۰/۷۰۳ | ۰/۱۴۶  | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۲۰ | سازگاری زناشویی<br>درآمد مردان |

جدول ۱۴: بین متغیرهای جمعیتی و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

| متغیر مستقل   | متغیر وابسته    | شدت رابطه   | سطح معناداری | نوع آزمون همبستگی | نتیجه آزمون | نوع رابطه  |
|---------------|-----------------|-------------|--------------|-------------------|-------------|------------|
| شغل زنان      | سازگاری زناشویی | ضعیف و منفی | ۰/۴۹۲        | -                 | رد          | بدون رابطه |
| شغل مردان     |                 | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۰        | ۰/۲۴۰             | تأیید       | معنادار    |
| طبقه اجتماعی  |                 | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۸        | ۰/۱۳۲             | تأیید       | معنادار    |
| قومیت         |                 | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۰        | -                 | رد          | بدون رابطه |
| مالکیت منزل   |                 | ضعیف و منفی | ۰/۹۶۶        | -                 | رد          | بدون رابطه |
| تحصیلات زنان  |                 | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۱        | -                 | تأیید       | معنادار    |
| تحصیلات مردان |                 | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۱        | -                 | تأیید       | معنادار    |
| سن            |                 | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۰        | ۰/۲۳۰             | تأیید       | معنادار    |
| فاصله سنی     |                 | ضعیف و منفی | ۰/۶۵۵        | ۰/۰۲۴             | رد          | بدون رابطه |
| تعداد فرزند   |                 | قوی و مثبت  | ۰/۰۰۰        | ۰/۲۴۷             | تأیید       | معنادار    |
| مدت ازدواج    | قوی و مثبت      | ۰/۰۰۰       | ۰/۲۴۰        | تأیید             | معنادار     |            |
| درآمد زنان    | ضعیف و منفی     | ۰/۱۱۹       | ۰/۰۸۳        | رد                | بدون رابطه  |            |
| درآمد مردان   | ضعیف و منفی     | ۰/۷۰۳       | ۰/۰۲۰        | رد                | بدون رابطه  |            |

## تبیین نگرش زنان به سازگاری زناشویی بر حسب مجموع متغیرهای مستقل

به منظور بررسی رابطه مجموع متغیرهای مستقل با سازگاری زناشویی و تعیین این که متغیرهای مستقل در مجموع تا چه اندازه قادر به تبیین سازگاری زناشویی هستند و کدام یک از آن‌ها پیش‌بینی کننده قوی‌تری است، از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۱۵) ارائه شده است، بر این اساس ضریب همبستگی چندگانه برابر با  $0/480$  است. ضریب تعیین برابر  $0/230$ ، که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل می‌توانند بیش از  $0/230$  درصد واریانس سازگاری زناشویی را تبیین نمایند. براساس ضرایب بتای استاندارد شده متغیرهای مستقل ساختار قدرت بعد ابراز عشق و محبت با بتای  $b=0/342$ ، تحصیلات مردان با بتای  $b=0/206$ ، ساختار قدرت بعد روابط قدرت با بتای  $b=0/173$ ، فاصله سنی با بتای  $b=0/125$ ، طبقه اجتماعی با بتای  $b=0/071$ ، شغل زنان با بتای  $b=0/044$ ، درآمد زنان با بتای  $b=0/028$  و درآمد مردان با بتای  $b=-0/019$  به ترتیب بیشترین سهم در میزان سازگاری زناشویی دارند.

جدول ۱۵: نتایج رگرسیون چند متغیره تبیین سازگاری زناشویی

| پیش‌بینی کننده‌ها<br>(متغیرهای مستقل)     | Beta   | t      | sig   | ضریب<br>همبستگی<br>چندگانه | ضریب<br>تعیین | F مقدار | sig   |
|---|--------|--------|-------|----------------------------|---------------|---------|-------|
| مقدار ثابت                                | 0/241  | 9/885  | 0/001 | 0/480                      | 0/230         | 6/087   | 0/000 |
| ساختار قدرت<br>( بعد ابراز عشق و<br>محبت) | 0/342  | 4/721  | 0/000 |                            |               |         |       |
| تحصیلات مردان                             | 0/206  | 2/608  | 0/010 |                            |               |         |       |
| ساختار قدرت<br>(بعد روابط قدرت)           | 0/173  | 1/963  | 0/050 |                            |               |         |       |
| فاصله سنی                                 | 0/125  | 2/437  | 0/015 |                            |               |         |       |
| طبقه اجتماعی                              | 0/071  | 1/339  | 0/181 |                            |               |         |       |
| شغل زنان                                  | 0/044  | 0/834  | 0/405 |                            |               |         |       |
| درآمد زنان                                | 0/028  | 0/504  | 0/608 |                            |               |         |       |
| درآمد مردان                               | 0/019  | 0/377  | 0/706 |                            |               |         |       |
| ساختار قدرت                               | -0/503 | -4/77  | 0/000 |                            |               |         |       |
| تحصیل زنان                                | -0/160 | -2/243 | 0/026 |                            |               |         |       |
| تعداد فرزند                               | -0/144 | -1/843 | 0/066 |                            |               |         |       |
| شغل مردان                                 | -0/114 | -2/068 | 0/039 |                            |               |         |       |
| مدت ازدواج                                | -0/102 | -1/180 | 0/239 |                            |               |         |       |

## بحث و نتیجه‌گیری

خانواده نخستین و منحصر به فرد ترین نهاد اجتماعی است که سلامت و موفقیت جامعه مرهون سلامت و رضایتمندی اعضای آن است چرا که تأثیر هیچ یک از افراد و هیچ رابطه ای از روابط (مثبت یا منفی) به اندازه آن از دوام، عمق و شدت برخوردار نیست و همواره کنش ورزی آن در سطوح مختلف فردی، دوفردی (زن و شوهر) و نظام خانواده، هم چنین تأثیر متقابل کیفیت این کنش با عملکرد اعضای دیگر خانواده در عرصه‌هایی چون تحصیل، اشتغال، ارتباطات اجتماعی و مواردی از این دست دیده می‌شود. در حقیقت خانواده با بستن پیمان زناشویی بین زن و مرد تشکیل می‌شود. ازدواج اولین تعهد عاطفی و حقوقی است که فرد در بزرگسالی قبول می‌کند و انتخاب همسر و انعقاد پیمان زناشویی نقطه عطفی در رشد و پیشرفت شخصی تلقی می‌گردد. مومن زاده، (۱۳۸۱: ۴). در تداوم زندگی زناشویی، عوامل متعددی دخیل هستند، و شرط اساسی در این امر مهم سازگاری در برابر آثار محرک‌های تنیدگی از است. سازگاری با موقعیت‌های جدید و متنوع در دورانی که عصر تنیدگی و تغییرات سریع اجتماعی است، کار آسانی نیست. تحقیقات اجتماعی نشان می‌دهد که هرگونه دگرگونی در زندگی آدمی، خواه خوشایند خواه ناخوشایند مستلزم نوعی سازگاری مجدد است. یک جنبه مهم سازگاری، با سازگاری زناشویی مرتبط است. بدون شک سازگاری با سایر ابعاد زندگی، رضامندی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس یافته‌های تحقیق، میانگین سازگاری زناشویی کمی بالاتر از حد متوسط است. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش علمی و همکاران (۱۳۸۹) که نشان می‌دهند سازگاری زناشویی در بین افراد مورد مطالعه برابر با ۸۰/۴۱ بود، منطبق نیست و سازگاری بیشتری بین زوجین در تحقیق حاضر مشاهده شده است.

میانگین سازگاری بعد توافق دو نفری برابر با (۲۴/۴۲ درصد) است که از میانگین توافق دو نفری (۳۶ درصد) بیشتر است. بنابراین توافق دو نفری زوجین در سطح متوسط رو به بالا می‌باشد. میانگین سازگاری بعد رضایت دو نفری برابر با (۵۱/۱۸ درصد) است که از میانگین رضایت دو نفری (۲۴ درصد) کمتر است. بنابراین رضایت دو نفری زوجین در شهر جهرم در سطح متوسط رو به پایین می‌باشد. میانگین سازگاری بعد عشق و محبت دو نفری برابر با (۶۲/۱۲ درصد) است که از میانگین عشق و محبت دو نفری (۱۲ درصد) کمی بیشتر است. بنابراین عشق و محبت دو نفری زوجین در شهر جهرم در سطح متوسط رو به پایین می‌باشد. بین ساختار قدرت (کل) و سازگاری زوجین (کل) رابطه معنی‌دار وجود دارد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش خاکپور و همکاران (۱۳۹۴) که معتقدند بین سازگاری زناشویی و ابعاد ساختار قدرت در خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد و هر سه ابعاد قدرت می‌توانند سازگاری زناشویی را پیش بینی کنند. الگوی ساختار قدرت در خانواده در سازگاری نقش مهمی دارد. سازگاری زناشویی با ساخت قدرت نیز قابل پیش بینی است و نشان می‌دهد که هر چه ساختار قدرت بیشتر به تصمیم‌گیری مشارکتی متمایل باشد، سازگاری زناشویی بیشتر است. این نتیجه با تحقیقات فرحبخش، معین، سهامی (۱۳۹۱)، زارعی توپخانه و همکاران (۱۳۹۱)، کولیک (۲۰۰۹)، بهمنی و همکاران (۲۰۱۳)، لیتل و همکاران (۱۹۹۶)، مشابه است.

شیوه‌های اعمال قدرت بر توافق دو نفری زوجین تأثیر دارد. بنابراین نتایج نشان می‌دهد که هرچه استفاده از شیوه‌های مجاب‌سازی بیشتر باشد، سازگاری زناشویی نیز بیشتر است این یافته با نتایج تحقیق عنایت و سروش (۱۳۸۸) و اسوارلد و همکاران (۲۰۰۸)، و آدا و فالبو<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) همخوان است. شیوه اعمال قدرت زن و شوهر راهبرد برخورد و وادار کردن به رفتار زن و شوهر را نشان می‌دهد که به دو شیوه مجاب‌سازی و وادار کردن تقسیم می‌شود. همان‌گونه که فرضیه چهارم نشان داد به هر میزان استفاده از شیوه مجاب‌سازی بیشتر باشد، سازگاری زناشویی نیز بیشتر است گری<sup>۲</sup>، لیتل و بالک<sup>۳</sup> (۱۹۸۳)، به نقل از آدا و فالبو (۱۹۹۱) بیان می‌کنند که زوج‌های ناسازگاری از زوج‌های سازگار با سطح بالای شیوه‌های کنترل و اجبار مشخص می‌شوند. شیوه کنترل و اجبار بر این اعتقاد شخصی قرار دارد که همسر می‌تواند بعضی از مواردی را انجام دهد یا بگوید که خوشایند زوج دیگر نیست. این شیوه‌های کنترل و اجبار مشابه راهبرد قدرت غیرمستقیم - یکطرفه است که شامل احساسات منفی (یکی یا تهدید می‌کند تا دیگری شیوه او را بپذیرد) و کناره‌گیری (یکی از احساساتش جلوگیری می‌کند و فاصله می‌گیرد) می‌شود. وقتی شیوه استفاده از راهبردهای قدرت را بررسی می‌کنیم، خوب است درباره منابع در دسترس زن و شوهر مقایسه کنیم.

اختلاف قدرت بین زنان و مردان عامل مهمی در انتخاب راهبردهای قدرت است. در موقعیت ضعف قرار داشتن باعث استفاده از راهبردهای ضعیف مانند تملق و التماس (دادخواهی، گریه می‌شود). بین سن و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. چگونگی و شیوه تصمیم‌گیری در خانواده را می‌توان در وجوه ترغیب، تحریک، اجبار و فعال کردن تعهد افراد یا مجاب‌سازی و مجبور سازی دید. بر این اساس ساختار خانواده به اقتدارگرایانه و دموکراتیک تقسیم می‌شود. استفاده از شیوه اعمال قدرت مجبور سازی روابط عاشقانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. استفاده از شیوه‌های سخت قدرت مانند حالت ارباب - برده در روابط باعث نارضایتی زناشویی می‌شود. در مقابل شیوه‌های آسان قدرت نارضایتی زناشویی کمتری را موجب می‌شود؛ زیرا این شیوه‌ها بیشتر متفکرانه است و اجازه می‌دهد که در تعیین هدف‌ها مشارکت بیشتری کنند. نظریه‌گیدنز و نظریه‌نمایشی در چارچوب نظری تحقیق با این یافته تحقیق همسو می‌باشد. گیدنز معتقد است موقعیت زنان در جامعه مدرن در حال تغییر است که این موضوع به یکسان شدن قدرت زنان با مردان مربوط می‌شود. وی از اصطلاح سیاست‌رهایی بخش صحبت می‌کند که با نوعی مفهوم پلکانی از قدرت سر و کار دارد. سیاست‌های رهایی بخش معمولاً خواستار کاهش و یا لغو کامل استثمار، نابرابری و ستمگری هستند و بر اولویت اصول اساسی عدالت، برابری و مشارکت تأکید دارند. بر اساس نظریه‌ی نمایشی و تعریف فاصله‌ی نقش از سوی گافمن، می‌توان به تفسیر انواع مختلف روابط بین زوجین در خانواده که به پایداری یا ناپایداری زناشویی می‌انجامد اقدام کرد. شاید بتوان گفت در وضعیتی که شوهر و همسرش دارای فاصله‌ی نقش به میزان " کم " هستند یعنی نقش‌های محول (واگذار شده) را محقق می‌سازند، و در صحنه‌های سه‌گانه کنش،

۱ Aida & Falbo

۲ Gray

۳ - Bulk

با یکدیگر دارای همگونی و هم سویی بیشتری می‌باشند از جمله با ثبات ترین خانواده‌ها هستند. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق علمی و همکاران (۱۳۸۹)، عطاری و همکاران (۱۳۸۴) و تقوی (۱۳۹۲) همخوانی ندارد. اما با یافته‌های پژوهش علمی و همکاران (۱۳۸۹) منطبق است. بین مدرک تحصیلی زنان و مردان و سازگاری زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد. این یافته تحقیق با نتایج تحقیق تقوی (۱۳۹۲) همخوانی ندارد.

در چارچوب نظری تحقیق، در نظریه کنش متقابل در صورتی که زن و شوهر پاسخ مطلوبی از طرف مقابل دریافت کنند احساس آرامش و امنیت و علاقه در آن به وجود می‌آید و موجب سازگاری زناشویی از موقعیت مطلوب می‌شود. از شاخص‌های این نظریه می‌توان به جامعه پذیری زن و شوهر و برآورده شدن انتظارات آنان اشاره کرد. همچنین به نظر پارسونز، در خانواده‌های هسته ای، عشق هم مینا و هم پیامد ازدواج است. زیرا بدون عشق خانواده‌ها از هم می‌گسلند. مهم ترین پیامد اجتماعی مطلوب این ازدواج عاشقانه، اجتماعی کردن کودکان و جامعه پذیری آنان است. بنابراین مبانی نظری تحقیق با فرضیه، رابطه بین ساخت روابط قدرت و ابراز عشق و علاقه همخوانی دارد.

سن، تحصیلات زنان و مردان و شغل با سازگاری زوجین رابطه دارند. در چارچوب نظری تحقیق در نظریه همسان همسری سن، تحصیلات با سازگاری زناشویی رابطه دارند. همچنین در نظریه بلاد و ولف در چارچوب نظری تحقیق قدرت شوهر در خانواده، عموماً با افزایش سطح تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی او افزایش می‌یابد؛ بنابراین متغیرهای یاد شده به عنوان منابعی که مردان می‌توانند از آن‌ها در جهت کسب قدرت بیشتر در روابط خانوادگی استفاده کنند، تعریف شد

طول مدت ازدواج رابطه معناداری با سازگاری زوجین دارد. داده‌های مربوط به این فرضیه نشان می‌دهد که بین سال‌های زندگی زوجین و سازگاری زناشویی همبستگی معنی‌داری وجود دارد. به طور کلی مطالعات نشان می‌دهد که با ادامه ازدواج، خشنودی رو به کاهش می‌رود. زن در دوره ماه عسل و قبل از تولد اولین فرزند از هر زمان دیگر راضی تر به نظر می‌رسد. بر اساس نتایج پژوهش‌های صورت گرفته با ادامه ازدواج، سازگاری زناشویی کاهش می‌یابد، یافته‌های تحقیق والن و بورکس که روی ۱۰۰۰ زوج انجام گرفته (سه سال بعد از ازدواج) نشان می‌دهد هر چه از ازدواج می‌گذرد، سازگاری زن و شوهر نیز کاهش می‌یابد (میشل اندره، ۲۰۳:۱۳۵۴). که یافته‌های تحقیق حاضر مغایر با تحقیقات قبلی بوده است.

شهر چهارم، یکی از شهرهای اصیل، مذهبی و با بافت و ساختار سنتی می‌باشد. پیشینه زندگی خانوادگی در این شهر نشان می‌دهد که ما معمولاً شاهد زوج‌های سازگار و خانواده‌های با ثبات و مستحکم بوده ایم. به طوری که زوجین در زندگی زناشویی خود کم توقع و انتظارات پایینی داشته اند. متأسفانه در سال‌های اخیر با ورود مدرنیته، افزایش شهرنشینی، صنعتی شدن جوامع، اشتغال زنان، باورها و ارزش‌های سنتی و ارزشمند جای خود را به مصرف گرایی، تجمل گرایی و زندگی پرزرق و برق داده اند و ما همه روزه شاهد گسترش ناسازگاری‌ها بین زوجین هستیم و روند طلاق و اختلافات خانوادگی روز به روز بیشتر می‌شود.

یافته‌های تحقیق هم نشان داد که سازگاری زوجین در این شهر در حد متوسط است و روابط قدرت، شیوه‌های اعمال قدرت با توافق زوجین، رضایت زوجین و ابراز عشق و علاقه رابطه دارند.

تبیین سازگاری زناشویی در حالت کلی، بر حسب مجموع متغیرهای مستقل بیانگر آن است که متغیرهای ساختار قدرت (بعد ابراز عشق و محبت)، تحصیلات مردان، ساختار قدرت (بعد ساخت روابط قدرت)، فاصله سنی، طبقه اجتماعی، شغل زنان، درآمد زنان و مردان به ترتیب قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی هستند و قادرند ۰/۲۳۰ از تغییرات واریانس سازگاری زناشویی را تبیین کنند.

#### تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

#### References

- Abbott, Pamela and Claire Wallace (2004), *Sociology of Women*, Najm Iraqi, Tehran: Ney Publishing.
- Abbott, P. & Wallace, C. (1993). *Sociology (Feminist Perspective)*. London: Routledge.
- Asadian, A. (1385). *Sociological study of the factors affecting divorce in Ghaemshahr city*, Islamic Azad University, Tabriz branch.
- Azad Armaki, T. (1386). *Sociology of the Iranian Family*, Tehran, Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Position).
- Azzazi, Sh. (1380). *Domestic violence in battered women*. Tehran: Excellent publication.
- Azzazi, Sh. (1387). *Sociology of the family*. Tehran: Roshangaran Publications and Women's Studies.
- Blood, R. O. (1969). *Marriage*. New York: The free Press.
- Elmi, Mahmoud and Karrim Yazdani (1389). Investigating the social factors related to marital adjustment among married middle school teachers in Marand, *Sociological Studies*, No. 8, pp. 75-57.
- Enayat, Halimeh and Soroush, Maryam (2009), "The extent and type of resistance of women in the face of the power structure in life", *Women's Research*, No. 7: 85-112.
- Fotoohi bonab, s.(1386). Evaluation of the effectiveness of couple therapy approaches (cognitive-behavioral, Islamic and interaction behavior analysis) on increasing self-knowledge, religious orientation and marital adjustment of maladapted couples in Tabriz, M.Sc. Thesis, University of Tabriz.

- Gaal, F. (2005). The role of differentiation of self and anxiety in predicting marital adjustment following the death of an adult, married- child biological parent. Unpublished doctoral dissertation, Faculty of the graduate school of psychology, Seton Hall University, Los Angels, California.
- Ghaemian Oskooi, A. (2009), The relationship between personality types and methods of resolving interpersonal conflict with marital adjustment in students of Islamic Azad University, Tabriz Branch.
- Giddens, Anthony (2003), *Sociology*, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney Publishing.
- Good, W.J. (1372), and society, t: and. Salehi, Tehran, translation and publishing company.
- Grossi, (1387). Investigating the power structure in the families of Kerman city. *Women's Studies*, (2) 6, 27-25.
- Horton, P. B. & Hunt, C. L (1972). *Sociology*. New York: McGraw Hill.
- Iman, Mohammad Taghi and Safi, Maryam. (1380). "Factors affecting the attitude of married people towards same-sex marriage", *Jamiat Quarterly*, No. 37 and 38, pp. 24-49.
- Isvan, N. A. (1991). Productive & reproductive decisions in turkey: the role of domestic bargaining. *Journal of Marriage & the Family*, 53(4), 1057-1070.
- Kalantari, Khalil (2008), *Data Processing and Analysis in Economic and Social Research*, Publisher: Tehran Farhang Saba.
- Kaveh, S. (2007), *Psychology of Spousal Incompatibility; Study and analysis of communication problems of spouses and strategies to deal with them*, Tehran, Sokhan Publications.
- Khakpour, Iman; Nazari, Ali Mohammad and Kianoosh Zahra Kar (1394). The Role of Dimensions of Family Power Structure in Marital Adjustment, *Cultural-Educational Quarterly of Women and Family*, Year 9, Issue 30, Spring 2015.
- Mahboobi Manesh, H. (2004), *A Study of the Status of Drug Addiction among Youth "National Youth Report, Publication of the National Youth Organization*.
- Mahdavi, Mohammad Sadegh and Khosroshahi, Habib (2003), "Study of the distribution structure of power structure in the family", *Women's Studies*, Volume 1, Number 2: 27-67.
- Mahdavi, MS (1998), *A Study of Comparative Changes in Marriage*, Shahid Beheshti University Press.



- Michel, Andre (1975), *Economics and Society*, translated by Abbas Manouchehr et al., Tehran: Molly Publications.
- Mirzaei, Hossein; Tavakol Aghayari Hir and Mahnaz Katabi (2013). Investigating the structure of power distribution in families in Tabriz, *Journal of Social Sciences*, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, pp. 69-91.
- Momen Zadeh, F. (1381). The relationship between irrational thoughts and attachment patterns with marital adjustment. Master Thesis in General Psychology. Shahid Beheshti University.
- Movahed, Majid; Enayat, Halimeh and Marzieh Mardani (2012) A Study of Underlying Factors Related to the Structure of Power Distribution in the Family (Case Study: Married Women in Shiraz) *Quarterly Journal of Social Studies and Research*, Volume 1, Number 3, pp. 159-178.
- Multafat, H. (2002), A Study of Factors Affecting Couples' Tendency to Divorce in Darab County, Shiraz University, M.Sc. Thesis in Sociology.
- Najarpourian Q; Fatehizadeh, M. (2007), Marital adjustment and related factors in Isfahan, the tenth research week of the University of Isfahan from the website of the Network of Women and Family Research Centers, Faculty Bank.
- Pious, n. (1374). Study of marriage and divorce in Tabriz. East Azerbaijan Provincial Management and Planning Organization.
- Ritzer, George. (1374). *Sociological Theory in Contemporary Times*, translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Scientific Publications.
- Rosen Bam, e. (1367). The family as a structure in front of society, translated by M, P., Mahdavi, Tehran: University Jihad Publications.
- Segalan, M. (1370), *Historical Sociology of the Family*, T: H. Eliassy, Tehran, Markaz Publications.
- Shahabi, Mahmoud (1372). "What Do Theories Say About Choosing a Spouse?", *Women's Magazine*, Vol. 2, No. 1 and 2, p. 52.
- Sherbatian, M, H. (1388). Investigating the dimensions and barriers to socialization of women's employment. *Scientific Quarterly of Payame Noor University*. Third issue, seventh year.
- Sidanius, J., & Pena, Y. (2001). The gendered nature of family structure and group-based anti-egalitarianism: A cross national analysis. *The Journal of Social Psychology*, 143(2), 243-51.
- Sidman, Steven (1390). *Conflict of Opinions in Sociology (Third Edition)*. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney Publishing.

- Skidmore, and. (1372). Investigating the causes of couple incompatibility, T: Hazari, Tehran, Shahid Beheshti University, Family Research Institute.
- Sohrabzadeh, Mehran; Radius, sincerity; Movahed, Majid and Mohsen Niazi (1398). Explaining the relationship between family cohesion and the structure of power distribution in it (Case study: married women in Shiraz), *Journal of Sociology of Social Institutions*, 6 (14) 285-261.
- Taghavi, Nemat A ..., Abbaszadeh, Mohammad and Soraya Rafiei Asl (2013). Determining Individual-Social Factors Related to Marital Adjustment (Case Study: Marand Families), *Iranian Social Science Studies*, Tenth Year, No. 36.
- Taghavi, Nematullah, Sabbagh, Samad and Hesam Nasiri (2013). Comparison of marital adjustment of employed and non-employed women and its related factors in Mahabad, *Sociological Studies*, No. 9, pp. 68-53.
- Tavormina, Joseph B. et al, 1978. "Power Relationships in Families: a Social Exchange Perspective". *Family Process*. Vol. 17, pp. 423-435.
- Zarei Topkhaneh, Mohammad; Jan Bozorgi, Massoud and Mohammad Reza Ahmadi Mohammadabadi (2013). The relationship between power structure in the family and its efficiency. *Psychology and Religion*, (4) 3, 25-6.

---

**Sociological explanation of the relationship between power structure and marital adjustment in families in Jahrom<sup>1</sup>***Roya Pourshahian<sup>r</sup>**Majid Karimi<sup>r\*</sup>**KeramatAllah Rasekh<sup>f</sup>***Abstract**

The present study has sociologically explained the relationship between power structure and marital adjustment in families in Jahrom. The method used in this research is survey. The statistical population is families (men and women) living in Jahrom that 351 people were selected as a sample and selected using multi-stage random sampling method. The research tool is a questionnaire that has been used to determine its validity by face validity method and to determine its reliability, internal coordinated method by Cronbach's alpha method has been used. The descriptive results of the study indicate that the average score of marital adjustment in Jahrom is slightly higher than average. The analytical findings of the study show that the relationship between marital adjustment (total) and power structure (total) is positive and significant. Dimensions of power structure (construction of power relations, ways of applying power and spheres and realm of power) affect the agreement of the couples. Also, the construction of power relations and the methods of applying power affect the satisfaction of the couples, but the domains of power do not affect the satisfaction of the couples. Power relations, spheres and realms of power as well as ways of applying power have significant relationships with the love and affection of couples. Among the demographic variables, the relationship between age, education, men's occupation, duration of marriage, number of children, different classes with marital adjustment is significant. Explaining the dependent variable in terms of the sum of independent variables indicates that the variables of power structure (dimension of love and affection), men's education, power structure (dimension of building power relations), age distance, social class, women's occupation, women's and men's income are

---

1 This article is an excerpt from the doctoral dissertation entitled 'Study of the effect of power structure in the family on the adjustment of couples in the city of Jahrom' at the Islamic Azad University of Jahrom.

2 Phd Student of Political Sociology, Department of Social Science, , Jahrom Branch, Islamic Azad University Jahrom, Iran (roya\_p\_1971@yahoo.com).

3 Assistant Professor, Department of Social Science, , Jahrom Branch, Islamic Azad University Jahrom, Iran (Corresponding Writer) (karimi@jia.ac.ir)

4 Associate Professor, Department of Social Science, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran (Krasekh@gmail.com)

---

respectively the strongest predictor of marital adjustment and are able to explain 0.230 changes in variance of marital adjustment.

**Keywords:** Marital adjustment, power structure, families, Jahrom city.